

جزوه متن مطالعه آثار ۲

فصل اول	۱
فصل دوم	۲
فصل سوم	۳
فصل چهارم	۴
فصل پنجم	۵
فصل ششم	۶
فصل هفتم	۷
فصل هشتم	۸
فصل نهم	۹
فصل دهم	۱۰
فصل یازدهم	۱۱
فصل دوازدهم	۱۲
فصل سیزدهم	۱۳
فصل چهاردهم	۱۴
فصل پانزدهم	۱۵
فصل شانزدهم	۱۶
فصل هجدهم	۱۷
فصل نوزدهم	۱۸
فصل بیستم	۱۹
فصل بیست و یکم	۲۰
فصل بیست و دوم	۲۱
فصل بیست و سوم	۲۲
فصل بیست و چهارم	۲۳
فصل بیست و پنجم	۲۴
فصل بیست و ششم	۲۵
فصل بیست و هفتم	۲۶
فصل بیست و هشتم	۲۷
فصل بیست و نهم	۲۸
فصل سی و یکم	۲۹
فصل سی و دوم	۳۰
فصل سی و سوم	۳۱
فصل سی و چهارم	۳۲
فصل سی و پنجم	۳۳
فصل سی و ششم	۳۴
فصل سی و هفتم	۳۵
فصل سی و هشتم	۳۶
فصل سی و نهم	۳۷
فصل سی و دهم	۳۸
فصل سی و یازدهم	۳۹
فصل سی و دوازدهم	۴۰
فصل سی و سیزدهم	۴۱
فصل سی و چهاردهم	۴۲
فصل سی و پنجم	۴۳
فصل سی و ششم	۴۴
فصل سی و هفتم	۴۵
فصل سی و هشتم	۴۶
فصل سی و نهم	۴۷
فصل سی و دهم	۴۸
فصل سی و یازدهم	۴۹
فصل سی و دوازدهم	۵۰
فصل سی و سیزدهم	۵۱
فصل سی و چهاردهم	۵۲
فصل سی و پنجم	۵۳
فصل سی و ششم	۵۴
فصل سی و هفتم	۵۵
فصل سی و هشتم	۵۶
فصل سی و نهم	۵۷
فصل سی و دهم	۵۸
فصل سی و یازدهم	۵۹
فصل سی و دوازدهم	۶۰
فصل سی و سیزدهم	۶۱
فصل سی و چهاردهم	۶۲
فصل سی و پنجم	۶۳
فصل سی و ششم	۶۴
فصل سی و هفتم	۶۵
فصل سی و هشتم	۶۶
فصل سی و نهم	۶۷
فصل سی و دهم	۶۸
فصل سی و یازدهم	۶۹
فصل سی و دوازدهم	۷۰
فصل سی و سیزدهم	۷۱
فصل سی و چهاردهم	۷۲
فصل سی و پنجم	۷۳
فصل سی و ششم	۷۴
فصل سی و هفتم	۷۵
فصل سی و هشتم	۷۶
فصل سی و نهم	۷۷
فصل سی و دهم	۷۸
فصل سی و یازدهم	۷۹
فصل سی و دوازدهم	۸۰
فصل سی و سیزدهم	۸۱
فصل سی و چهاردهم	۸۲
فصل سی و پنجم	۸۳
فصل سی و ششم	۸۴
فصل سی و هفتم	۸۵
فصل سی و هشتم	۸۶
فصل سی و نهم	۸۷
فصل سی و دهم	۸۸
فصل سی و یازدهم	۸۹
فصل سی و دوازدهم	۹۰
فصل سی و سیزدهم	۹۱
فصل سی و چهاردهم	۹۲
فصل سی و پنجم	۹۳
فصل سی و ششم	۹۴
فصل سی و هفتم	۹۵
فصل سی و هشتم	۹۶
فصل سی و نهم	۹۷
فصل سی و دهم	۹۸
فصل سی و یازدهم	۹۹
فصل سی و دوازدهم	۱۰۰

مخصوص جامعه بهایی است

## فهرست مطالب جزوه متن درس مطالعه آثار ۲

صفحه	عنوان
۳	۱ - تذکاری از حیات، مقام و موقعیت حضرت عبدالبهاء
۷	۲ - مباحث کلی راجع به آثار مبارکه حضرت عبدالبهاء
۹	۳ - عناوین آثار حضرت عبدالبهاء
۱۰	۴ - تقسیم‌بندی آثار حضرت عبدالبهاء
۱۲	۵ - مضامین و محتوای آثار حضرت عبدالبهاء
۲۰	۶ - ساختار مکاتیب مبارکه
۳۰	۷ - برخی مواضع اساسی که مکرراً و با توضیحات گوناگون در آثار حضرت عبدالبهاء تکرار شده است
۴۰	۸ - بحثی راجع به سبک و سیاق مکاتیب حضرت عبدالبهاء
۵۳	۹ - شأن نزول آثار حضرت عبدالبهاء
۵۵	۱۰ - بار عظیم روحانی مکاتیب حضرت عبدالبهاء
۵۷	۱۱ - فهرست گزیده‌ای از الواح و آثار مبارکه حضرت عبدالبهاء

## تذکاری از حیات، مقام و موقعیت حضرت عبدالبهاء

قرار نیست که در این درس به تاریخ حیات هیکل اطهر حضرت عبدالبهاء پرداخته شود. اما لازم و ضروری و مناسب است که قبل از مطالعه درس بیاد آوریم که توفیق زیارت آثار و الواح چه شخصیتی نصیب ما گردیده است و از چه لسانی جز لسان حضرت ولی عزیز امرالله بهتر و زیباتر می توان با گوشه‌هایی از حیات حضرت عبدالبهاء آشنا شد. حیات و مقدراتی که در حقیقت خلاصه و عصاره عصر رسولی این دور اعز افحّم است. می دانیم که هیکل اطهر حضرت عبدالبهاء پس از آزادی از سجن، در سال ۱۹۱۰ میلادی اراضی مقدسه را به قصد مسافرت به ممالکی که احتیای آن دیار آرزوی دیدار هیکل مبارک را داشتند، ترک فرمودند. ابتدا مصر و بعد سرزمین غرب به قدم ایشان منور گردید.

حضرت ولی عزیز امرالله با ذکر توفیقات و نتایج و آثاری که از سفر هیکل مبارک به غرب در جهت پیشرفت و ارتقاء امرالله حاصل شده از نگاه هیکل مبارک به حوادث تلخ زندگی حضرتشان در سالهای متمادی می پردازند و تصویری ماهرانه از زندگی حضرت عبدالبهاء در مقابل دید مؤمنین جمال قدم قرار می دهند. قوله العزیز:

«... در اقطار اروپ و امریک شوکت و عظمتی از آن وجود مقدس ظاهر و آثار رفعت و امتناعی نمودار گردید که کیفیت و اهمیت آن هرگز از صفحات تاریخ محو نشود و ذکرش از متون صحف و اوراق انفصال نیابد و از آن جمله است کیفیت ملاقات حضرت عبدالبهاء و آرچدیکن ویلبرفرس یکی از شخصیتهای محترم و روحانی انگلستان که بی نهایت مهیج و مؤثر اتفاق افتاد و در آن ملاقات هیکل اطهر دست عطف و مرحمت خویش را بر رأس کشیش نهاده و در حالی که مشاژالیه در کرسی کوتاهتری در کنار مبارک جالس بود به سؤالات وی جواب می فرمودند. از آن منظره مهیمنتر و هیجان آمیزتر آنگاه بود که قستیس مذکور در کنیسه یوحئای لاهوتی در لندن با کافه حضار برای طلب فیض و برکت در مقابل سریر مبارک زانو زده و از آن پس میهمان جلیل القدر خود را با کمال اعزاز و اجلال از بین صفوف جماعت که بحال احترام برپا ایستاده بودند عبور داد و به نمازخانه کنیسه رهنمایی نمود و در تمام مدت آهنگ دعا و سرود از طرف جمعیت به گوش می رسید.

دیگر تشرف جلال الدوله به محضر انور که به مجرد ورود، خود را بر اقدام مبارک انداخت و لسان به اعتذار بگشود و از مظالم و تعدیات خویش نسبت به اهل بهاء استدعای عفو و بخشش نمود. دیگر استقبال و تجلیل عظیمی که در دارالفنون لیلند استانفرد از وجود مقدس بعمل آمد و آن منادی ملکوت در مقابل جمعیتی قریب دو هزار نفر از تلامذه و اساتذه راجع به مبادی اصلیه این امر اعظم اساس و مبنای پیام مبارک به عالم غرب ایراد نطق فرمودند. دیگر منظره مؤثر و پرهیجانی که در «باوری میشن» رخ گشود و صفی مرکب از چهارصد نفر از فقرا و مساکین نیویورک در مقابل هیکل

انور عبور کرده و هر کدام یک سکه نقره از ایادی مکرمات حضرت عبدالبهاء دریافت داشتند ... دیگر منظره زیارت مرقد «ثرن تون چیس» در قبرستان اینگلوود و حالت انجذاب و تضرعی که برای دوستان دست داد در آن حین که مرکز میثاق الهی به جانب مرقد حواری محبوبش خم شده جبین بر آن رمس مطهر قرار داد و ببوسید و نفوسی که در خدمت مبارک بودند کلاً به همین قرار رفتار نمودند. دیگر اجتماع عظیمی از رجال و نساء از طبقات محترم و اجله اهالی لندن از مسیحی و یهودی و مسلمان و نمایندگان ملل و نحل مختلفه در شرق و غرب که برای استماع خطابه مبارک راجع به وحدت عالم انسانی در جامع اسلامی «وُکینگ» حضور بهم رساندند و مقدم جلیلش را تکریم نمودند. تمام این مراتب و احوال و مناظر و آثار شاهد عظمت و قدرتی است که از هیکل انور حضرت عبدالبهاء در ایام سیر و سیاحت بلاد غرب ظاهر شد و انعکاس آن در قلوب و ارواح منطبع و در صفحات جرائد و اوراق مندرج گردید.

حال با توجه به شؤون و آثار مذکوره آیا می توان تصور نمود که در قلب نورانی هیکل میثاق آنگاه که خود را مورد این گونه احترامات و تعلقات زائدالوصف از طرف اعالی و ادانی مشاهده می نمود چه افکاری سریان می کرد؟ و یا هنگامی که در کنار شهر لندن برای صرف صبحانه جلوس فرموده و در خدیو مصر با نهایت اعزاز و اجلال پذیرایی می گردید فریاد الله ابهی و نعمات نعت و سرور و ولوله و شور دوستان را در محافل و مجامع پر اشتیاق امریک استماع می نمود در خاطر انورش چه مناظری مصور می گشت؟ ... بلی با اندک تأملی معلوم خواهد شد که در احیان مذکور در مقابل دیدگان مرکز عهد الهی حوادث هولناک ماضیه مجسم می شد و در قلب نورانش خاطرات تلخ گذشته مصور می گشت. خاطرات احزان و آلام. خاطرات فقر و مسکنت. خاطرات ایام صباوت. خاطرات پرمصیبت ام بزرگوارش که در آن اوقات پربلا که ابواب رخا از هر جهت مسدود و ثروت و اموال باهظه کلاً به تالان و تاراج رفته بود از فرط عسرت تکه لباسش را که از طلا بود و اندک قیمتی داشت به معرض فروش می رساند تا از وجه آن برای آن حضرت و خواهر و برادر عزیزش قوت لایموت تهیه نماید. خاطرات آن ایام مُظلم که همان مادر والا گهر ناگزیر مقداری آرد خشک در دست حضرت عبدالبهاء می ریخت تا بجای نان سدجوع کند. خاطره اوقات طفولیت که هیکل مبارک در کوچه و بازار مورد تعقیب و استهزاء اشرار و معرض شتم و رجم اراذل و اوباش قرار می گرفت. خاطره عکا حجره تنگ و تاریک و حفره مرطوب و پر حشره قشله که در سابق مغسل اموات بوده و مدت دو سال محل سجن مظلومان واقع گردید و همچنین خاطره زندانی شدن هیکل اطهر در محبس آن مدینه.

دیگر از وقایع مؤلمه ای که در نظر مبارکش مجسم می شد و قلب انورش را می گذاخت محقق خاطره اسارت مصباح ملاء اعلی حضرت نقطه اولی در جبال آذربایجان است هنگامی که آن سیدامم خاتمه حیات را در قلاع محکم مظلم به کربت و غربت بگذرانید و آن نفس مقدس پرتو وجودش

آفاق را منور گردانیده بود حتی یک شمع برای روشن کردن محل خویش در اختیار نداشت و عاقبت صدر منیرش به رصاص اولوالبغضاء مشبک گردید و بالاتر از همه این خاطرات یقیناً افکار آن آیت هدی در حول حیات پر اشراق آب بزرگوار، مولی و مقتدای عظیمش دور می زد و به یاد سجن و بلاهای جمال قدم و اسم اعظم می افتاد و آلام و مصائب آن محبوب عالم را بخاطر می آورد و منظره سیاهچال طهران آن دخمه اظلم آتتن و چوبکاری مبارک در آمل و روزگار پر محنت جمال سبحان در کوهسار کردستان در مقابل دیدگانش مصور می شد و احوال ایام بغداد که هیکل قدم و محیی رمم یک دست لباس برای تعویض نداشت و پیروانش با یک مشت خرما شب و روز امرار معاش می نمودند در قلبش مرتسم می گشت و اُسرت و غربت مظلوم آفاق در حصار عکا که تا مدت نه سال چشم مبارک به آب و سبزه نیفتاده بود و تحقیر و توهینی که در دارالحکومه آن شهر نسبت به آن مالک ملکوت بقا و حاکم ممالک انشاء وارد آمد سینه مقدّسش را می فشرد.

بلبی در چنین حالت که هیکل میثاق پس از آن همه بلاها و متاعب لاعتدّ و تحصی مراتب احترام و تقدیر و تجلیل و تکریم و خضوع و خشوع رجال و بزرگان و مشاهیر و دانشمندان عالم و رؤسای ادیان و فِرَق مختلفه را نسبت به آن وجود مقدّس و رفعت و اعتلاء امر آب جلیلش مشاهده می نمود اشک شوق از دیدگان جاری می ساخت و لسان به ذکر حضرت مقصود و حمد و سپاس ساحت محمود می گشود.

در سفرنامه حضرتش مدوّن و مسطور است که «یومی از ایام هیکل مبارک برای مجلس ثالث تشریف می بردند از شدت مسرت صدای مبارک چنان بلند بود که هنگام تاخت و تاز کالسکه عابریں صوت مبارک را می شنیدند. می فرمود ای بهاءالله چه کرده ای، ای بهاءالله به فدایت ایام را به چه مشقت و بلا گذرانیدی چه مصائبی تحقّل فرمودی آخر چه اساس متینی بنا نهادی و چه علم مبینی بلند نمودی»

و ایضاً در همان سفرنامه مذکور «هیکل انور وقتی حسین مشی و گردش در ذکر و یاد جمال مبارک ناطق و به عبارتی حزن انگیز ذکر ایام سلیمانیه و وحدت و مظلومیت طلعت قدم می فرمودند با آنکه مکرر این حکایت را فرموده بودند ولی آن روز بغتاً حال مبارک منقلب شده های های بنای گریه گذاردند به قسمی که صدای مبارک تا دور می رفت و جمیع خُدام به گریه درآمدند و از استماع بلاهای جمال قدم و رقت قلب سزاگرم کدورت و اندوه شدید روی نمود.»

هیکل اطهر ولی عزیز امرالله در توقیع منیع دور بهایی می فرمایند، قوله الکریم: «حال وقت آن است که شأن و مقام حضرت عبدالبهاء روشن شود. فی الحقیقه ما چنان به عهد حضرت عبدالبهاء نزدیک و مجذوب قوه معنویه مغناطیس وجودش می باشیم که به آسانی نمی توانیم به هویت و مقام آن حضرت که نه فقط در ظهور حضرت بهاءالله بلکه در سراسر تاریخ ادیان مقام فرید و وحیدی را داراست پی بریم. حضرت عبدالبهاء در افقی خاص قائم و مرتبتش کاملاً با مؤسس و

مبشر ظهور بهایی متفاوت است. ولیکن بر اثر مقامی که حضرت بهاء الله به وسیله عهد و میثاق به آن حضرت تفویض فرموده با آن دو ذات مقدس جمعاً هیاکل اصلیه ثلاثه آیینی را تشکیل می دهند که در تاریخ روحانی عالم بیسابقه است...

حضرت عبدالبهاء در رتبه اولی مرکز و محور عهد و میثاق بی مثیل حضرت بهاء الله و اعلی صنع ید عنایتش و مرآت صافی انوارش و مثل اعلای تعالیم و مبین مصون از خطای آیاتش و جامع جمیع کمالات و مظهر کلیه صفات و فضائل بهایی و غصن منشعب از اصل قدیم و رکن رکن شریعت الله و حقیقت من طاف حوله الاسماء و مصدر و منشاء وحدت عالم انسانی. و رایت صلح اعظم و قمر سماء این شرع مقدس بوده و الی الابد خواهد بود و نام معجز شیم عبدالبهاء به نحو اتم و اکمل و احسن جامع جمیع این نعوت و اوصاف است و «اعظم» از کل این اسماء عنوان «سز الله» است که حضرت بهاء الله در توصیف آن حضرت اختیار فرموده اند و با آنکه به هیچ وجه این خطاب نباید عنوان رسالت آن حضرت قرار گیرد مع الوصف حاکی از آن است که چگونه خصوصیات و صفات بشری با فضائل و کمالات الهی در نفس مقدس حضرت عبدالبهاء مجتمع و متحد گشته است.

## مباحث کلی راجع به آثار مبارک حضرت عبدالبهاء

بحث و بررسی پیرامون آثار مبارک که نازله از کلک اطهر حضرت عبدالبهاء نیاز به تحقیق و تدقیق متمادی دارد و کاری بس مشکل و در عین حال روح افزا است. دلایل متعددی را می توان برشمرد که دلالت بر عظمت کار بررسی این الواح کریمه دارد. از جمله:

- قرابت با آثار جمال اقدس ابهی به لحاظ آنکه به یک معنا الواح مبارک حضرت عبدالبهاء در توضیح و تبیین آیات الهی است که از قلم اعلی نازل شده است.

- شخصیت حضرت عبدالبهاء سزالله الاعظم و مرکز میناق امر حضرت بهاءالله است. لهذا الواح و آثار مبارک که ایشان مستفیض از اصل شجره ظهور مبارک است و ملهم به الهامات غیبیه الهیه است و ورود در این ورطه کاری صعب و دشوار است.

- غنای مطلق آثار حضرت عبدالبهاء به لحاظ جنبه های ادبی، علمی، فلسفی، کلامی، اجتماعی، عرفانی و معارف دینی که بررسی آنها جامعیت خاصی را می طلبد.

- بُعد هدایت و تشویق و ترغیب افراد بشری که خود تا حد زیادی مشخص کننده نحوه بیان و سبک و سیاق صدور الواح و آثار نازله از قلم هیکل مبارک است.

- این حقیقت که در شرایط سیاسی و اجتماعی خاصی که هیکل مبارک زندگی می فرمودند و در جهت اجرای وظایف محوله از جانب مظهر امر، مکاتیب و رسائل حضرت عبدالبهاء در حقیقت گویای روشی است که هیکل مبارک برای بیان حقایق امر مبارک انتخاب فرمودند. یعنی مکاتبه و مراسله با افراد و مجامع. لهذا الواح مبارک به لحاظ موقعیت تاریخی نیز حائز اهمیت خاصی است.

- وفور و کثرت مراسلات و مکاتبات هیکل مبارک نیز جهت بررسی و مذاقه نیازمند زمان زیاد و درک کامل آن موکول به مرور زمان است.

در عین آنکه به دشواری مطالعه و بررسی و تحقیق در آثار مبارک حضرت عبدالبهاء اعتراف می نمایم به ضرورت مطالعه و بررسی این آثار گرانقدر نیز مُشعر و آگاهیم. زیرا بیانات گهربار هیکل اطهر میناق در درجه اولی تبیین و تشریح و توضیح آیات الهی است که از کلک اطهر جمال قدم نازل شده و بدون توجه و تدقیق در آثار حضرت عبدالبهاء درک و فهم بسیاری از حقایق مندرجه در آثار حضرت بهاءالله برای ما مشکل خواهد بود و علاوه بر این دستورالعملها و هدایات هیکل مبارک در همه زمینه های مطروحه در الواح و آثار جمال قدم ما را به فهم عمیق مبانی اعتقادی بهایی، مباحث اجتماعی نظم اداری، حیات بهایی و فضائل اخلاق، خط مشی جامعه در حوادث جهانی و امور سیاسی، تعلیم و تربیت، اصول عبودیت و خدمت و طرق وفای به عهد و میناق مظهر امر الهی در این دور مکرم، بسیاری از وقایع و حوادث و اثرات آنها در امر مبارک، دستورالعملها در زمینه شیوه مواجهه با نفاق، و طرق حفظ وحدت جامعه اسم اعظم، شیوه مواجهه افراد اجباء با تحولات علمی و

فرهنگی، دیدگاههای امر مبارک راجع به اصول فلسفه مادی در قرون اخیر و نیز اثرات تمدن علمی و فرهنگی بر جامعه و ... مسائل مهم دیگر، نزدیک می‌سازد. مسائل فوق نشان می‌دهد که هر چند ممکن است در این درس نتوانیم به همه موارد فوق بپردازیم ولی هر اندازه که توفیق یابیم آثار حضرت عبدالبهاء را مطالعه دقیق نماییم نکات بیشتری را خواهیم دید که به دروس بعدی که مطالعه خواهد شد مربوط می‌شود.

جناب امین بنانی در مقاله «آثار حضرت عبدالبهاء» می‌نویسند:

«آثار مبارک حضرت عبدالبهاء نمره متجاوز از نیم قرن کوشش مداومی است که از اوان جوانی آن حضرت شروع شد و تا آخرین سنه حیات همکل مبارک ادامه یافت. مجموعه منشآت حضرت مولی‌الوری هنوز بدرستی شناخته نشده است و برای جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل و طبقه‌بندی میراث ادبی حضرتش اقدامات بسیاری باقی مانده که باید بعمل آید.»

دکتر شاپور راسخ در مقاله «صنایع لفظی و بدیعی در آثار پارسی حضرت عبدالبهاء» می‌نویسد: «... این آثار گرانقدر را به دریایی ژرف، پهناور و پر جوش و خروش می‌توان تشبیه کرد که خوض و غور در آن از شناوران کار آزموده بر نمی‌آید تاچه رسد به خشکی نشستگان افتاده و خامان ره‌رفته...»

و جناب دکتر محمد افنان نیز مطالبی به همین مضمون فرموده‌اند که مُدل بر عظمت آثار حضرت عبدالبهاء و دشواری بحث و بررسی آنها است. ایشان می‌نویسند:

«این آثار در نوع خود بی‌مثیل و نظیر و فطری و الهامی است. خلق جدید است و روح بدیع معانی است که در قالب کلمات، الفاظ را حیات تازه می‌بخشد و مفاهیم حقایق را به لباس جدید آراسته و طرح نوی در قالب لغات پرداخته است. این مقدمه نه از آن مذکور آمد که تجلیل و تعظیم از آثار بدیعه آن مرتبی عظیم‌الشان باشد چه که از آن مستغنی است که نفوس ناقصه به ستایشش برخیزند. بلکه بدان سبب است که اظهار ناتوانی و عجز از شناسایی مقام حضرتش شود. چه که شناسایی وجود مقدسی که خالق روح جدید در اجساد کلمات و مودع حقایق و معانی در پیکر آثار و الفاظ است از شؤون بشری برتر است...»



## عناوین آثار حضرت عبدالبهاء

آثار مبارکه‌ای که از قلم حضرت عبدالبهاء نازل شده و یا لساناً بیان فرموده‌اند با عناوین متعدّد، رساله، کتاب، لوح، مکاتیب و خطابات نامیده شده‌اند. نظیر کتاب مفاوضات، رساله شخص سیاح (مقاله شخص سیاح)، لوح فورل. ولی اکثریت آثار نازله از کلک اطهرشان در زمره مکاتیب آمده‌اند. کثرت مکاتیب مبارک به حدّی است که هنوز پس از سالیان شمادی عدد دقیقی از آنها ارائه نشده است.

جناب دکتر افنان می‌نویسند: «از قلم حضرت عبدالبهاء الواح فراوانی صادر شده که بنا بر بیان مبارک نظر به کمال عبودیت در آستان بهاء بطور کلی به نام مکتوب نامیده شده و مکاتیب مبارکی مجموعه‌ای از آن است.»

جناب امین بنانی می‌نویسند: «کلمه لوح در مورد اغلب آثار حضرت عبدالبهاء به کار برده شده است این تسمیه شامل مکاتیبی می‌شود که خطاب به اشخاص یا جمعیتها از یراعه مرکز میثاق صادر شده است.» (آثار حضرت عبدالبهاء)

و در کتاب نوزده هزار لغت در مورد تعداد الواح حضرت عبدالبهاء مطلبی بدین شرح آمده است:

«از یراعه میثاق دهها هزار لوح مبارک عزّ نزول یافت که تا رضوان ۱۹۸۳ تعداد ۲۷ هزار از آنها

در ارض اقدس جمع‌آوری گردید.» (۱۹ هزار لغت، جلد ۱، ص ۵۰۱)

مجموعه‌ای از الواح مبارک قبلاً در ۸ جلد با عنوان مکاتیب عبدالبهاء منتشر شده است و اخیراً نیز تعداد آنها افزایش یافته است.

## تقسیم بندی آثار حضرت عبدالبهاء

- جناب امین بنانی مجموعاً آثار حضرت عبدالبهاء را به دوازده دسته تقسیم بندی نموده‌اند. این تقسیم بندی در مقاله جناب دکتر شاپور راسخ راجع به صنایع لفظی بدیع در آثار حضرت عبدالبهاء نیز مورد توجه قرار گرفته است. رثوس این تقسیم بندی بشرح ذیل است:
- ۱- الواح شخصی آن حضرت (خطاب به اشخاص و نفوس) قسمت اعظم را تشکیل می‌دهد. و نمونه‌ای از بهترین آثار ادبیات فارسی به شمار می‌رود که دارای صراحت، صمیمیت، حرارت، محبت، بذله‌گویی (مزاح) و هزاران خصوصیات دیگر است که معرف شخصیت کامل و بی‌مثیل حضرت عبدالبهاء می‌باشد.
  - ۲- الواحی که حاوی مباحث خاص و اساسی بوده و خطاب به اشخاص معینی از کلک مبارک نازل شده است که بهترین نمونه این گونه الواح، لوح پروفیسور اگوست فورل است که در حقیقت رساله‌ای است فلسفی و در سپتامبر ۱۹۲۱ در جواب سؤالات این روان‌شناس برجسته سوئیسی مرقوم گشته است.
  - ۳- الواحی که خطاب به جوامع بهایی در نقاط مختلفه عالم ارسال فرموده‌اند و حاکی از وقایع امری و بشارت توسعه نفوذ امرالله از چند کشور محدود در خاور نزدیک و خاورمیانه به سی و پنج اقلیم در قازات مختلفه عالم است. بدون تردید مهمترین الواح این گروه مجموعه الواحی است که به نام الواح نقشه ملکوتی مشهور و در پایان جنگ اول جهانی مرقوم گردیده است.
  - ۴- الواحی که خطاب به کنگره‌ها و گروه‌های مختلفه جهانی نازل شده است و مشهورتر از همه لوح مبارکی است که در سنه ۱۹۱۹ خطاب به سازمان مرکزی کنگره صلح لاهه در هلند ارسال فرموده‌اند.
  - ۵- الواح مبارک که وصایا سند منحصر بفردی است که در سه قسمت مختلف مرقوم گشته و حاوی اصول کلی تشکیلات اداری بهایی می‌باشد. با وجود آنکه تاریخی برای تحریر آن ذکر نشده از متن آن چنین برمی‌آید که قسمت اول آن در سنوات ۷-۱۹۰۶ یعنی مخاطره‌آمیزترین و پرمشغله‌ترین ایام حیات هیکل مبارک تحریر شده است.
  - ۶- ادعیه حضرت مولی‌الوری که به زبانهای عربی و فارسی مرقوم گشته و منتخباتی از آنها به زبان انگلیسی ترجمه شده. تقریباً می‌توان گفت نیمی از مناجاتهای حضرت عبدالبهاء به زبان فارسی و نیم دیگر به زبان عربی است و چند مناجات نیز به زبان ترکی نازل شده.
  - ۷- ادعیه‌ای که به مناسبت‌های خاص صادر شده مانند مناجاتهایی که هنگام تشکیل محفل روحانی تلاوت می‌شود و یا ادعیه‌ای که هنگام عزیمت به سفرهای تبلیغی جهت جلب نصرت و توکل به تأییدات الهیه تلاوت می‌شود.
  - ۸- زیارتنامه‌ها که کلاً عربی است و منظور اصلی از صدور آنها ذکر قهرمانان و شهدای امر است و در

اوقات زیارت مرقد آنها تلاوت می شود. اغلب این گونه الواح در اواخر ایام حیات مبارک مرقوم گشته و گواهی است دیگر بر محبت و وفاداری حضرت مولی الوری نسبت به کسانی که جان خود را در راه امر الهی ایثار کردند.

۹ - اشعار - حضرت عبدالبهاء تعداد کمی شعر نیز انشاء فرموده اند که غالباً به صورت مثنوی است. این نوع شعر مورد علاقه آن حضرت بوده است و توجه هیکل مبارک را به اشعار عرفای بزرگ چون مولانا جلال الدین رومی نشان می دهد.

۱۰ - کتب و رسائلی که حضرت عبدالبهاء مرقوم فرموده اند نظیر رمز مدنیت الهیه یا اسرار الغیبیه که در سنه ۱۸۷۵ مرقوم شده و به رساله مدنیه مشهور است، مقاله شخصی سیاح که حدود سنه ۱۸۸۶ به رشته تحریر در آمده و رساله سیاسیه که در سنه ۱۸۹۳ عرّ صدور یافته.

۱۱ - خطابه های حضرت عبدالبهاء مشتمل بر سخنرانیها و بحثهایی است که در مسائل مختلف و به هنگام بیان، ثبت شده است. دو نمونه عمده عبارتند از کتاب مستطاب مفاوضات و کتاب تذکره الوفا که هر دو پس از استنساخ به نظر هیکل مبارک رسیده و پس از مطالعه با انتشار آنها موافقت فرمودند.

۱۲ - پس از مکاتبات شخصی حضرت عبدالبهاء بیانات شفاهی آن وجود مبارک عظیمترین بخش آثار ایشان را تشکیل می دهد. تمیز خطابات آن حضرت به بهائیان و خطابات هیکل مبارک در مجامع عمومی از قبیل انجمنها، گروهها، دانشگاهها و سایر اجتماعات برای هر کسی میسر است.

## مضامین و محتوای آثار مبارک حضرت عبدالبهاء

با توجه به تنوع و کثرت آثار حضرت عبدالبهاء و نیز جمع خصوصیات بشری و کمالات الهی در شخصیت حضرت عبدالبهاء توضیح و توصیف مضامین آثار و الواح مبارک که ایشان و یا بر شمردن آنها کاری بس دشوار است. نیازمند تحقیق و تتبع لازم و مناسب است و قطعاً هر نوع احصاء و فهرست برداری باعث محدود نمودن غنای مضمون و محتوای این آثار گرانبها خواهد شد. از این گذشته باید توجه نمود که الواح مبارک که در درجه اول به منظور هدایت نفوس و اعلان امر جمال قدم است و لهدا بار روحانی عظیمی را با خود دارد که درک و لمس آن روح پاک و خلوص نیت و دیده حقیقت بین می خواهد. روحی که به الفاظ و کلمات جان و حیات جدید داده است. و در مرحله ثانی مواضع و مباحث است که به مناسبت در الواح مبارک مطرح شده است. لهدا مطالعاتی که تاکنون صورت گرفته است و مطالبی که پیرامون آثار حضرت عبدالبهاء مطرح شده به منزله قطره‌ای از دریاست. ولکن گویای کوشش و تلاشی است که در جهت چشیدن شهد این چشمه جوشان و فیاض است.

بدیهی است که فعالیت محققین و علمایی که در آینده این آثار را مورد مذاقه و بررسی قرار خواهند داد به نحو مطلوبتری اسرار لانهایه مودوعه در این الواح مبارک که را بر ملا خواهند نمود و غوص بیشتری در این بحر زخار خواهند نمود و حقایق و معانی مکشوفه را در معرض دید جهانیان قرار خواهند داد.

حضرت ولی عزیز امرالله در کتاب مستطاب قرن بدیع و در قسمت مربوط به دوره میثاق بیانی را می فرمایند که از طرفی می تواند مبنای نوعی تقسیم بندی از آثار حضرت عبدالبهاء باشد و از طرفی هم به احسن وجه مضامین آثار مبارک که ایشان را می توان از بیانات مبارک حضرت ولی امرالله استخراج نمود. قوله العزیز:

« مرکز عهد و میثاق الهی با صدور رسائل و مکاتیب منیعه بدیعه و انشاء خُطَب و الواح و مناجات و ادعیه و اشعار و تفاسیر بهیته لمیعه که چون غیث هاطل از یراعه عظمتش به لسان پارسی و عربی و معدودی به زبان ترکی نازل تعالیم و مبادی سامیه این شرع اعظم را تشریح و احکام و اوامر را تبیین و اصول و ماریش را تفسیر و اصالت و حقانیتش را کاملاً صریحاً مشهوداً علی ملاء الاشهاد اعلان فرمود. همچنین جهان منحرف بشری را که در ظلمت مآذیات منهمک و از انوار حقیقت غافل و از خداوند مقتدر علیم بیخبر و ذاهل بود از خطر شدیدی که حیات وی را تهدید می کرد اخبار و انذار نمود...»

(قرن بدیع، جلد ۳، ص ۲۳۴)

در این بیان مبارک دو نوع تقسیم بندی دیده می شود که مکمل یکدیگرند:

الف - صوری

رسائل

مکاتیب

خُطَب

الواح

مناجات و ادعیه

اشعار

تفاسیر

ب - محتوا و مضمون

تشریح تعالیم و مبادی

تبیین احکام و اوامر

تفسیر اصول و مآرب

اعلان حقانیت و اصالت امر مبارک

اخبار و اذار

در مقامی دیگر از همین سفر جلیل نیز بیانی می فرمایند که ما را بیشتر به شناخت مضامین آثار هیکل مبارک حضرت عبدالبهاء نائل می سازد. قوله الکریم:

«... در این مقام که ذکر شؤون مهمه و وقایع و حوادث خطیره دوره مبارک میثاق در میان است لازم است به اخبارات و اندازات و وعود و بشاراتی که از قلم ملهم مرکز عهد مالک قدم نازل گشته اشاره نمود و در بحر زخار کلماتش تعمق و تدبیر کرد. از جمله بیان ترقی سریع امرالله و ارتفاع کلمة الله و انتشار صیت شریعت الله در اقطار و اشطار شاسعه جهان ...» (قرن بدیع، جلد ۳، ص ۲۳۶) در این بیان مبارک به نحوی مضامین الواح و آثار مبارک که ذکر شده است که مشتمل است بر:

(۱) اخبارات و اندازات (۲) وعود و بشارت (۳) بیان ترقی سریع امرالله و ارتفاع کلمة الله و انتشار صیت شریعت الله

بر اساس بیان حضرت ولی عزیز امرالله می توان بخش عظیمی از آثار حضرت عبدالبهاء را به پنج قسمت تقسیم نمود.

اینک توضیحات مختصری بر اساس طبقه بندی پنجگانه مأخوذ از آثار حضرت ولی زیز امرالله ذکر می گردد:

الف - خطبه:

معمولاً خطبه متن کوتاهی است که در ابتدای کتب یا رسالات نوشته می شود و محور آن تسبیح و تقدیس ذات غیب و یا ذکر محامد مظاهر مقدسه الهیه است. در آثار حضرت عبدالبهاء آن دسته که به لسان عربی مرقوم فرموده اند معمولاً با یک خطبه شروع می شود.

مثال ۱: خطبه ابتدای لوح مبارک تفسیر کنت کنز که در ابتدای مکاتیب مبارک که جلد ۲ مندرج است.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي قد حَزَكَ أَفلاكَ الذَّوَابِ بحرِ كَةِ جَدِبِ صمدانیتِه. وقد مَوَّجَ ابِحَرَ الكینوناتِ بِماهیتِ و فاحت علیها من ریح عزِّ فردانیتِه و ... وَأَصَلِّی وَأَسَلِّمُ عَلٰی أَوَّلِ جَوْهَرِ قام به كُلِّ الشُّؤنِ الجَوْهریةِ فی ملکوتِ الاسماءِ والصفاتِ ... من لَدی الله خالقِ الارضینِ والسمواتِ

حدود ۲ صفحه

همان طور که ملاحظه می شود ابتدای خطبه در وصف حق و بعد در وصف حضرت رسول اکرم است که مظهر اسماء و صفات الهیه است.

مثال ۲: خطبه ابتدای لوح مبارک آفاقیه یا افلاکیه که در صفحات ۱۳ الی ۳۲ مکاتیب مبارک که جلد اول مندرج است.

هو الله

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ أَسْمَاءَهُ وَصِفَاتِهِ لَمْ يَزَلْ نَافِذَةً أَحْكَامُهَا فِي مَرَاتِبِ الوجودِ وَبَاهِرَةً آثَارُهَا وَثَابِتَةً آيَاتُهَا فِي عَوَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهُودِ وَبِهَا جَعَلَ الْحَقَائِقَ الْمُقَدَّسَةَ الْمُسْتَفِيضَةَ الْمُسْتَنْبِئَةَ مُسْتَأْتِرَةً لِظُهُورِ شُؤْنِهِ وَسَائِرَةً فِي فَلَكِ الْكَمَالِ قَوْسِي الصُّعُودِ وَالنُّزُولِ وَقَدَّرَهَا مَبْدَأَ الْإِبْجَادِ فِي عَالَمِ الْإِنْشَاءِ... حدود ۳ صفحه  
مثال ۳: خطبه ابتدای لوح مبارک تفسیر آیه الزوم (از آیات قرآنیه)

هو الابهی

سبحانک اللهم یا الهی قد نزلت من سماء عز احدیتک میاه الوجود بحدودک و رحمانیتک و امطرت من سحاب سماء عز فردانیتک امطار فیوضات صمدانیتک حتی سالت بهذیه الموهبه العظمی انهار فیضک الاعظم فی اراضی الحقائق الممكنة المكونة بانشائک ... ایها السائل البارع الصادع ...

حدود ۲/۵ صفحه (مکاتیب، جلد ۱، صفحه ۶۲)

مثال ۴: نمونه یکی دیگر از خطبه های مبارک

هو الابهی

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اشْرَقَ عَلَى الْفُؤَادِ يَنْوِّرُ الرِّشَادَ وَنَوَّرَ الْقُلُوبَ بِسَطْوَعِ آيَاتِ الْقُدْسِ بِكُلِّ رُوحٍ وَسَدَادٍ وَهَدَى الْمُخْلِصِينَ إِلَى مَعِينِ الْعِرْفَانِ بِبَيِّنَاتٍ ظَهَرَتْ فِي حَقِيقَةِ الْآيَاتِ وَالْكَلِمَاتِ وَأَخْرَجَ الطَّالِبِينَ إِلَى عَالَمِ النُّورِ مِنْ بَحْوِجَةِ الظُّلُمَاتِ وَالصَّلْوَةِ وَالتَّحِيَّةِ وَالثَّنَاءِ السَّاطِعِ مِنْ زُجَاغَةِ الْقَلْبِ الْمُقَدَّسِ الطَّافِحِ بِالْبِشَارَاتِ وَنَزَلَ الرُّوحَ الْأَمِينُ عَلَى فُؤَادِهِ بِالآيَاتِ الْمُحْكَمَاتِ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَوْلِيَّ الْبِرَاهِمِينَ وَالحججِ الْبَالِغَةِ بَيْنَ الْمَمْكَانِ وَوَسَائِطِ فَيْضِ الْحَقِّ بَيْنَ الْمَوْجُودَاتِ (فاعلم) ایها الواقف فی ...

(مکاتیب، جلد ۱، صفحه ۱۰۹)

پ - لوح:

به بخش عظیمی از آثار نازله از کلک طلعت میثاق کلمه «لوح» اطلاق شده و این مجموعه شامل آثاری است که خطاب به افراد و مجامع است و مضامین آنها متنوع است. از طرح نقشه ها و دستورالعملها تا ترسیم اصول نظم اداری پاسخ به مسائل دینی، فلسفی، عرفانی، علمی، اجتماعی و ... بسیاری از این الواح به نام افراد یا مجامع در بین احباء مشهور است.

مثال: الواح هزار بیتی، لوح خطاب به عمه، لوح فورل، لوح دوند، لوح خراسان، لوح لاهه، الواح وصایا و ...

فی المثل جناب وحید رافتی در کتاب ملکوت وجود لوح فورل را چنین معرفی می فرمایند:

«لوح مبارکی که از قلم حضرت عبدالبهاء خطاب به دکتر آگوست هنری فورل عزّ صدور یافته ... یکی از مهمترین و مفضلترین الواح حضرت عبدالبهاء است ... لوح فورل از نظر احتوای بر مهمترین مطالب الهی و فلسفی نظیر قضیه ماهیت وجود، مقام و منزلت روح انسانی، دلائل وجود خدا و نیز عرضه اساسی ترین تعالیم امر بهایی از پر مطلب ترین آثار حضرت عبدالبهاء است.»

یا لوح مبارک دو ندا که خطاب به عموم اهل بهاء است، متضمن این مطلب اساسی است که مدنیت انسانی و ترقیات علم اگر منضم به مدنیت الهیه نشود مثمر ثمر نخواهد بود و نیز طرح قضایا در پرتو وحدت عالم انسانی و لزوم تربیت در ظل مرتی حقیقی از مباحث اساسی این لوح مبارک است.

نمونه یکی از الواح مبارک (لندن لورد ویردال)

هو الله

دوست ملکوتی محترم من نامه شما رسید و از مضمون نهایت سرور حاصل گردید زیرا دلیل بر الفت قلبیه و احساسات روحانیه آنجناب بود. الحمد لله من به سلامت به شرق رسیدم و دلهای دوستان را به انوار ملکوت روشن دیدم. ای دوست محترم ملاحظه می نماید که تاریکی چگونه احاطه نموده لهذا باید نورانیتی عظیمه ظهور یابد تا رفع این ظلمات شدید کند. لهذا امید به انوار صبح هدایت است که باز از شرق طلوع نموده و در آفاق منتشر می گردد. لهذا عبدالبهاء تا جان در بدنش متحرک است سفر کند و ندا به ملکوت الله نماید و آنی فراغت ننماید. بجان بکوشد تا این جسم مرده عالم انسانی حیات ابدیه یابد. و علیک التحية و الثناء

خواهش دارم که احترامات فائقه مرا قبول فرمایید

۲۶ فوریه ۱۹۱۲

(مکاتیب، جلد ۳، صفحه ۴۶۳)

ع ع

ج - مناجات و ادعیه:

آن دسته از آثار مبارک حضرت عبدالبهاء است که تعداد زیادی از آنها به طور مجزا منتشر شده ولی اکثر آدر ذیل الواحی آمده است که خطاب به افراد است و به عنوان طلب تأیید و غفران از ساحت خداوند مجید، صادر شده است. اصولاً مناجات بیان حالات و بیان مراتب بندگی و خضوع افراد نسبت به معبود حقیقی، خداوند متعال و یا مظاهر مقدسه است. مناجات هم مشتمل بر جنبه های تسبیح و تقدیس و تنزیه حق و هم اظهار بندگی و خضوع نسبت به خداوند و هم مشتمل بر جلب رضایت خداوند و طلب تأیید در خدمت و تقاضای گشایش است. بسیاری از مناجاتهای صادر شده به تقاضای افراد بوده و طبعاً تعدادی نیز به مناسبت حال و نزول الواح مبارک است. و نیز مناجاتهایی که به مناسبتهای خاص نازل شده مثل مناجاتهای مخصوص از دواج، تشکیل محافل و ...

در مناجاتهای مبارک علاوه بر مراتب بندگی و طلب توفیق و تأیید و هدایت بسیاری از مبانی اعتقادی نیز مذکور است. همچنین در مواردی می توان به برخی از وقایع تاریخ امر مبارک پی برد. در

مناجاتی که راجع به ایران صادر شده حتی می توان به نوعی به سرگذشت ایران از لحاظ ترقیات علمی و روحانی پی برد و بقول جناب دکتر افغان:

« همه این مناجاتها جنبه آموزندگی دارد که چگونه باید مناجات کرد و به چه حالت و کیفیتی ذات الهی و مظاهر اسماء و صفات او را توحید و تقدیس کرد، از آستان رحمتش چه طلبید و به چه سان طلبید.»

نمونه یکی از مناجاتهای مبارک که:

اللله ابهی

ای خدای یگانه این بنده خویش را طراز دیباج کینونات فرما و این عبد خود را در بین ملاء امکان به تاج عبودیت سرفراز کن. این بینوارا به صرف عنایت پرنوا کن و این بی سروسامان را در پناه خویش سروسامانی بخش. از کأس انقطاع بنوشان و از جام عنایت سرمست نما. بنده ضعیف چه تواند و پشه ضعیف چه پرواز نماید. اوج عزت کجا بال و پر مرغ ذلت کجا؟ ای پروردگار تو تأیید فرما تو توفیق بخش انک انت الکریم ع ع

د- اشعار:

هر چند اشعار حضرت عبدالبهاء معدود است ولی بنا به گفته جناب شاپور راسخ «در برخی موارد کلام منثور حضرتش با چنان موسیقی توأم است که گاهی مرز شعر و نثر ناپیدا می شود.» زیرا کلام حضرت عبدالبهاء موزون است. به عبارت دیگر نثر حضرت عبدالبهاء نیز موزون و آهنگین و موجز و روان است ولی بیان در قالب شعر هم مورد توجه هیکل مبارک بوده است. از جمله شعر ذیل در مقطع لوح مبارک تفسیر حدیث کنت کنز درج است:

ای خدای پر عطاى ذوالمنن	واقف جان و دل و اسرار من
در سحرها مونس جانم تویی	مطلع بر سوز و جرماتم تویی
هر دلی پیوست با ذکرت دمی	جز غم تو می نجوید محرمی
خون شود آن دل که بریان تو نیست	کور به چشمی که گریان تو نیست
در شبان تیره و تار ای قدیر	یاد تو در دل چون مصباح منیر
از عنایات به دل روحی بدم	تا عیدم گردد ز لطف تو قدم
در لیاقت منگرو در قدرها	بنگر اندر فضل خود ای ذوالعطا
این طیور بال و پر اشکسته را	از کرم بال و پیری احسان نما

ه- تفسیر:

بطور کلی و عام، کلمه تفسیر شامل توضیح و تبیین و تأویل می شود. بدین معنا اکثر و اهم آثار مبارک حضرت عبدالبهاء در تفسیر آثار جمال قدم و نیز بعضاً در تفسیر آیات کتب مقدسه قبلند. همان طور که حضرت ولی عزیز امر الله می فرمایند:



«تعالیم و مبادی سامیه این شرع اعظم را تشریح و احکام و اوامرش را تبیین و اصول و ماریش را تفسیر... فرمود.»

در عین حال برخی از الواح حضرت عبدالبهاء بطور خاص در تفسیر بعضی مطالب مهمه دینی مرقوم شده‌اند. از جمله:

لوح مبارک تفسیر حدیث قدسی کنت کنت در آغاز مکاتیب جلد ۲  
تفسیر بسم الله الرحمن الرحیم در مکاتیب مبارک جلد ۱ صفحات ۳۳ تا ۶۲  
تفسیر آیه قرآنی (غلبت الزوم فی ادنی الارض) یا آیه الزوم صفحات ۶۲ تا ۱۰۲ مکاتیب جلد ۱  
و همچنین آیات و احادیث متعددی که مربوط به کتب مقدسه قبل است و هیکل مبارک تفسیر فرموده‌اند. لهذا تفسیر بخش اعظمی از آثار حضرت عبدالبهاء را تشکیل می‌دهد.  
معمولاً در امر مبارک اصطلاح تبیین را بیشتر به کار می‌بریم و لهذا حضرت عبدالبهاء را مبین آیات می‌شناسیم تا مفسر آیات. البته صرف نظر از تفاوت‌های جزئی، تفسیر و تبیین در عرف دینی در مواردی به کار می‌رود که درک معنای آیه و یا مطلبی و یا کلمه‌ای برای افراد مشکل باشد و افرادی چون ائمه و یا کسانی که عصمت ذاتی و یا موهوبی دارند قادر به دانستن معنای دقیق آن هستند.

نمونه‌هایی از تبیینات هیکل مبارک حضرت عبدالبهاء از برخی مواضع کتب مقدسه قبل

۱ - معنی شیطان

و نیز از حضرت عبدالبهاء به سید مهدی گلپایگانی در عشق آباد قوله‌المتین:

«مقصد از شیطان عالم طبیعت بشری است که انسان را به ردائل اخلاق تشویق می‌نماید.»

(امر و خلق، ص ۴۴۲)

۲ - معنی مائده سماوی و نان حیات جاوید

و از حضرت عبدالبهاء در جواب سؤالات قسیسان پاریس است قوله‌العزیز:

«آن مائده که بر حضرت مسیح نازل می‌شد و بر حضرت مریم نازل می‌شد آن محبت‌الله بود

روح انسانی از او زنده می‌شد. غذای قلوب بود.»

(امر و خلق، ص ۴۵۸)

۳ - معنی روح القدس و رمز کبوتر

و نیز از حضرت عبدالبهاء در مذاکرات است قوله‌العزیز:

«مقصد از روح القدس فیض الهی است و اشعه ساطعه از مظهر ظهور... کبوتری که داخل مسیح

شد نه این کبوتر محسوسه است بلکه یک کیفیت روحانی بود. به جهت تفهیم و تفهیم به صورت

محسوسه بیان شد.»

(امر و خلق، ص ۴۶۱)

۴ - معنی هدهد سلیمان

و نیز در بیانات شفاهیه حضرت عبدالبهاء است:

هدهد شخصی بود که سلیمان به قاصدی فرستاد و به اعلی درجه شهرت رسید. مرغی ضعیف بود ولی سیمرغ با شهپر عظیم گشت.

همچنین از بیانات حضرت ولی عزیز امرالله چنین مستفاد می شود که موضوع تبیین و یا تفسیر مطالب امری و مباحث مندرجه در آثار حضرت عبدالبهاء جنبه عمومیت دارد. یعنی نمی توان بطور قاطع تفکیک نمود که فی المثل این اثر مبارک فقط تفسیر است و یا تأویل و این اثر مبارک خطبه. لهذا می توان نوعی کلیت را استنباط نمود که در رسائل و مکاتیب هیکل مبارک وجود دارد. هر چند ممکن است که اثری از آثار هیکل مبارک اختصاصاً پیرامون یک موضوع مثلاً تفسیر باشد. مثل تفسیر بسم الله الرحمن الرحیم و یا تفسیر حدیث کنت کنز. هر چند که در همین تفسیر اخیر از اشعار هیکل مبارک نیز موجود است. بر این اساس باید توجه نمود که مواضع تفسیر مطالب، انذار و بشارت، تبلیغ و تشویق، تشریح و تبیین در گستره همه الواح و آثار مبارک وجود دارد. منتهی یک لوح ممکن است مشتمل بر یک یا چند موضوع باشد.

نمونه یکی از خطابه های مبارکه

خطابه (نطق) در منزل مسس نیوتن و مسس ریورز

بروکلین ۶ جون ۱۹۱۲ (عصر) ۳۰ جمادی الاخر ۱۳۳۰

هو الله

در عالم وجود امری اعظم از این گونه محافل نیست که محض محبت الله انعقاد گشته. ملاحظه نمایید قومی از مشرق قومی از مغرب چگونه در نهایت الفت در یک بساط جالسیم این گونه الفت و اتحاد مستحیل بود. قوه حضرت بهاء الله این قلوب را الفت داده و این نفوس را در ظل کلمه واحده در آورده. هرگز یک خاندان به این درجه از محبت جمع نمی شوند و به این فرح و سرور با یکدیگر معاشرت نمی کنند. این به قوه الهیه است و نفوذ کلمه الله که به این بشارت و بهجت مجتمعیم. توجه به ملکوت ابهی داریم و مانند نهالهای گلشن و گلستان از نسائم عنایت و احسان در اهتزازیم. امروز روزی است که فراموش نخواهد شد زیرا در ظل جمال مبارکیم قلوب ما مستبشر به بشارت اوست. مشام ما معطر به نفحات ملکوت ابهی است گوش ما ملتذ به ندای الهی و روح ما زنده به فیوضات رحمانی یقین است چنین روزی فراموش نخواهد شد.

(خطابات مبارکه حضرت عبدالبهاء، جلد ۲)

نمونه یکی از زیارتنامه های مبارکه

زیارت حضرت شهید اعتمادالتجار آقا میرزا جواد یزدی علیه بهاء الله الابهی

هو الله

اَيُّهَا الْمُنْجَذِبُ بِنَفْحَاتِ اللَّهِ وَالْمَشْتَعِلُ بِنَارِ مَحَبَّةِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ لَبَيْتُ النَّدَاءِ وَأَهْتَرُ قَلْبُكَ بِفِيوضَاتِ مِنْ  
مَلَكُوتِ الْاِبْهِي وَآمَنْتُ بِرَبِّ السَّمَوَاتِ الْعُلْيَا وَنَطَقْتُ بِالثَّنَاءِ عَلَى رَبِّكَ بَيْنَ الْوَرَى وَمَا أَخَذْتُكَ لَوْمَةً  
لَا تُؤْمِرُ وَلَا خَوْفٌ شَاتِمٌ وَلَا بَأْسٌ ظَالِمٌ وَلَا حِدَّةٌ سَيفٍ شَاهِرٍ بَلْ فَدَيْتَ بِرُوحِكَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَسَمَحْتَ  
بِهَدْرٍ دَمِكِ شَوْقًا إِلَى اللَّهِ حَتَّى دُقَّتْ مَرَارَةً السَّيْفِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأَسْتَشْهَدُ بِقَلْبٍ طَافِحٍ بِذِكْرِ اللَّهِ طُوبَى  
لَكَ مِنْ هَذِهِ الْمَوْهَبَةِ الْكُبْرَى هَنِئًا لَكَ هَذِهِ الْكَأْسُ الطَّافِحَةُ بِمَوْهَبَةِ اللَّهِ وَإِنِّي أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُؤَيِّدَ لِي  
بِحَاكِمِكَ عِنْدَ اللَّهِ وَشَفَاعَتِكَ لِي بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَعَلَيْكَ التَّحِيَّةُ وَالثَّنَاءُ وَعَلَيْكَ بِهَاءِ اللَّهِ الْاِبْهِي

۲۰ شوال ۱۳۳۸ عبدالبهاء عباس

(حیات حضرت عبدالبهاء، تألیف محمّدعلی فیضی، ص ۲۹۶)

## ساختار مکاتیب مبارک

قدر مسلم آن است که به لحاظ کثرت و تنوع مکاتیب هیکل مبارک ارائه قانون و یا روشی که ساختار همه مکاتیب مبارک را نشان دهد یا غیر ممکن است و یا تا بحال شناخته نشده است. اما ملاحظات اولیه نشان می دهد که با حفظ بعضی تفاوتها می توان گفت که بر اساس ظاهر حجم کثیری از مکاتیب مبارک دارای ساختار زیرند:

الف - مزین بودن به کلمه مبارک « هو الله »

ب - مطلع مکتوب

ج - متن

د - مقطع مکتوب

ه - امضاء مبارک

الف - مزین بودن به کلمه مبارک « هو الله »

جناب شاپور راسخ مرقوم نموده اند که: «تقریباً اکثر الواح مبارک حضرت عبدالبهاء به اکیلی هو الله مکتل است و خود هیکل مبارک در این مورد فرموده اند

«... در خصوص عنوان هو الله در مکاتیب مرقوم نموده بودید از این کلمه مراد این است که کسی به غیب بحث راه ندارد السبیل مسدود و الطریق ممنوع در عالم کلّ باید به من ینظره الله توجه نمایند.

اوست مطلع الوهیت و مظهر ربوبیت مرجع کل و مسجود کل و معبود کل...»

از این بیان مبارک چنین مستفاد می شود که کلمه مبارک هو الله در اول مکاتیب مُدِل بر مظهر

ربوبیت و موعود امم جمال اقدس ابهی است.

تعدادی از الواح مصدر به « هو الابهی » و برخی مصدر به « بسم الله الرحمن الرحیم » است.

ب - مطلع مکتوب

یکی از زیباترین جنبه های مکاتیب حضرت عبدالبهاء به تعبیر جناب شاپور راسخ «حُسنِ مطلع» (زیبایی آغاز مطلب) است که از نشانه های فصاحت و بلاغت است و به نظر ایشان حضرت عبدالبهاء

را در این زمینه مثیل و نظیری نیست.

اکثر مکاتیب مبارک بلافاصله پس از ذکر هو الله، فرد یا جمع را مورد خطاب قرار می دهند. این قضیه در مکاتیب مبارک فارسی بیشتر محسوس است.

همان طور که مذکور شد الواح و مکاتیب عربی معمولاً با خطبه ای آغاز می شوند که در ستایش خداوند است. در حالی که در مکاتیب فارسی معمولاً با نام یا لقب مخاطب شروع می شود. در این

خطاب تا حدودی می توان مخاطب بهایی و غیر بهایی را تفکیک نمود.

هو الله - ای یار روحانی عبدالبهاء ...

هو الله - ای مفتون و تشنه حقیقت ...

هو الله - ای حزب الله ...  
 هو الله - ای متوجهین به منظر اعلی ...  
 هو الله - ای یاران با وفا ...  
 هو الله - ای یاران جانی عبدالبهاء ...  
 هو الله - ای دوستان الهی ...  
 هو الله - ای ثابتان بر عهد و پیمان ...  
 هو الله - ای اهل ملکوت ابهی ...  
 هو الله - ای یار قدیم ای ثابت بر پیمان ...  
 هو الله - اعضای محترما ...  
 هو الله - ای عاشقان حقیقت ...  
 هو الله - دوست محترم من ...  
 هو الله - ... دوست عزیز واجب الاحتراما ...  
 هو الله - ... ای منجذب به محبت الله  
 هو الله - ... ای فرع رفیع سدره مبارک ...

هو الله - ای اول اشخاص خیر خواه محترم عالم انسانی ...  
 و در مکاتیب عربی که معمولاً پس از هو الله خطبه‌ای آغاز می‌شود:

هو الله - الحمد لله الذی تنزه ذاته ...  
 هو الله - سبحان من انشأ الوجود ...  
 هو الله - حمدا لمن اشرق انواره ...

در عین حال افراد نیز مورد خطاب قرار می‌گیرند:

هو الله - ايتها الشعلة الحییه ...  
 هو الله - ايتها الشهم الجلیل  
 هو الله - ايتها المنجذب بنفحات الله  
 هو الله - یا امة الله ...

این حُسن مطلع را نباید محدود نمود. غرض نحوه شروع مکاتبات مبارک است که در حقیقت نحوه ارتباط مطلوب را گواهی می‌دهد و شیوه ارتباط مرتبی حقیقی و کامل را نشان می‌دهد. زیرا عبارت خطاب در یک مکتوب در واقع رمزی را در خود نهفته دارد، مثل این است که گویا مخاطب حاضر است و گوینده بلاوقصد گفتار دارد و او اطلاع می‌خواهد و یا به او اطلاعی می‌رساند و این جنبه بدیع و متمایز مکاتیب حضرت عبدالبهاء است. حضرت عبدالبهاء بنفسه المقدس می‌فرماید که کلام حضرت‌شان و سبیل‌های است که فیوضات ملاء اعلی را با خود حمل می‌نماید.

«مکتوب عبدالبهاء رابطه محبت است و لکن فیوضات ملکوت ابهی دل و جان را زنده نماید.»

(مکاتیب، جلد ۵، ص ۹۱)

یکی از جلوه‌های بارز این رابطه محبت آمیز آسمانی در مطلع مکاتیب مبارک، در قالب عنوان یا عبارت خطابی ابتدای لوح، صورت می‌گیرد و با اسم، لقب، شغل یا سایر مختصات فرد مربوط می‌شود. در ورای این رابطه محبت آمیز که از طریق الفاظ آغاز می‌شود حقیقت و مضمونی متعالی نهفته است. تأثیر این ارتباط قطعاً و صفاً ناپذیر است و طعم این رابطه را در درجه اولی کسانتی چشیده‌اند که مورد خطاب و عنایت هیکل مبارک قرار گرفته‌اند. در عبارات زیر دقت فرمایید:

«ای خیات جامه‌ای که بر اندام هیکل عالم موزون و برازنده است خلعت میثاق است.»

(مکاتیب، جلد ۶، ص ۱۳۳)

«ای مظهر هدایت به نام هدایتی و به عنوان صاحب حکمت و هدایت ان شاء الله جامع هر دو صفت باشی.»

(مکاتیب، جلد ۶، ص ۱۲۳)

(مکاتیب، جلد ۶، ص ۱۳۶)

«ای چراغعلی ان شاء الله چراغ خدا شوی.»

«ای عبدالحسین ای همنام این عبد حقیر بیا تا هر دو همدست شویم ...»

(مکاتیب، جلد ۵، ص ۲۳)

علاوه بر این اصولاً مطلع الواح مبارک خطاب به اشخاص یا انجمنها به نحوی متعالی است. گویا هیکل مبارک نظر به افقهای وسیع‌ای دارند که افراد و یا مجامع باید بدان فائز گردند و فرد را با حقایق برتری آشنا می‌سازند تا واقعیت زندگی خویش را بر آن منطبق نمایند.

هیکل مبارک در یکی از مکاتیب می‌فرماید، قوله‌العزیز:

«... ای عبدالحسین چون به نگارش این نامه پرداختم تحزی نعت و لقبی نمودم که عنوان خطاب

نمایم نهایت از اسم مبارک که دلالت بر عبودیت جمال قدم می‌نماید نعت و ستایش و لقب و عنوانی اعظم نیافتم و امیدم چنان است که در این عنوان شریک و سهیم باشیم زیرا هر دو نام یک مضمون و یک معنی. ولی اسم تو به عبودیت آستان مشتق از صفت جامع است نه از اسماء اعلام ولی این عبد مأیوس و محروم از آن زیرا تو موفق و من مبتلا در وادی حرمان ... باری باید به خدمتی موفق گردی که لایق و شائق این عنوان است ...»

(مکاتیب، جلد ۵، ص ۹۶)

این لوح مبارک نشان می‌دهد که هیکل اطهر حضرت عبدالبهاء چگونه در مکاتبات خویش در جستجوی طریقی بوده‌اند که مخاطب را هدایت فرموده و به حقیقت وجودی خویش آگاه فرمایند و راه کمال را به او نشان دهند.

مثال دیگر: قوله‌العزیز:

«ای امة‌البهاء اسم و لقبی اعظم و اشرف از این نیافتم که تو را به آن بستایم. الیوم اعظم اسماء و القاب و محامد و نعوت، اسمی بود که دلالت بر عبودیت آستان مقدس نماید. پس بجان بکوش تا حقیقت این لقب در تو مجسم گردد و شواهدش از روح و جان و اعضاء و ارکان ظاهر و باهر شود.»

(مکاتیب، جلد ۷، ص ۲۰)

### ج - متن مکتوب

حضرت ولی عزیز امرالله می‌فرماید، قوله‌العزیز:

«بی شک آثار مبارک که بهایی کلیه زمینه‌های مجهودات انسانی و تمام رشته‌های علوم را روشن می‌سازد. آنان که به معرفت مقام حضرت بهاء‌الله متباهی گشته‌اند موهبت دستیابی به آثار مقدسه بهایی را دارند که بر کلیه جنبه‌های افکار و تحقیقات پرتوافکن است ...» (تحقیق و تتبع، ص ۳۵)

این بیان مبارک مُدِل است بر این حقیقت که کلید باب هر علمی در آثار مبارک موجود است و با توجه به آنکه آثار حضرت عبدالبهاء در تفسیر و تبیین و توضیح اصول و مبانی و احکام امر مبارک است لَهذا می شود و باید گفت که آثار هیکل مبارک به همه علوم و مسائلی که در زندگی انسان هست می پردازد و یا هدایت می کند و کلیه جنبه های تحقیقی بشر را پرتوافکن است. و بر این اساس مضامین متون مکاتیب و آثار مبارک که حضرت عبدالبهاء دارای دامنه وسیع و احصای موضوعات مطروحه در آنها بطور صریح و یا ضمنی کاری غیر ممکن و یا دشوار است.

به فرموده جناب دکتر افنان: «اگرچه در الواح حضرت عبدالبهاء از کلیه مباحث امری اشارات و توضیحاتی مرقوم و به علت سؤال و پرسش افراد تقریباً مطلبی نیست که مذکور نشده باشد، نه تنها متضمن اصول مسائل و مبین حقایق امر بهایی است بلکه نمونه های جامعی به عنوان راهنمای تحقیق و تجسس در حقایق و ترتیب و تنظیم مطالب است.

جناب شاپور راسخ فهرستی از مضامین عمده مندرج در آثار حضرت عبدالبهاء را ارائه نموده اند که ذیلاً درج می شود. در این فهرست ترتیب منطقی خاصی رعایت نشده است:

- ۱ - تبیین و توضیح و بسط تعالیم روحانی - انسانی و اجتماعی حضرت بهاء الله
- ۲ - تشریح و تبیین قوانین و احکام این آیین نازنین
- ۳ - کشف اسرار و رموز کتب مقدسه قبل از جمله قرآن و عهد عتیق و عهد جدید
- ۴ - توضیح و تشریح کنایات و اشارات جمال اقدس ابهی
- ۵ - توضیح در مورد اصول نظم اداری حضرت بهاء الله شامل مشورت، محفل روحانی، مشرق الاذکار

۶ - مطالب مربوط به حکمت الهی چون حقیقت الوهیت، مقام انسان ...

۷ - مطالب مربوط به مرگ و حیات بعد از مرگ و بقای روح

۸ - مطالب بفرنج دینی چون قیامت - رجعت - سر تجدید ادیان

۹ - تعلیم و تربیت و اصول و فروع آن

۱۰ - امور اجتماعی - سیاست مُدُن

۱۱ - مطالب مربوط به ازدواج و زندگی زناشویی و روابط خانوادگی

۱۲ - ابراز لطف و عنایت، تشویق، دلجویی و دلداری

۱۳ - تشجیع به خدمت، تشویق به تبلیغ

۱۴ - الواح نصیحه، تشویق به عمل خیر و کسب فضائل و بیان حیات بهایی

۱۵ - دعوت به اتحاد و تعاون و تعاضد

۱۶ - دعوت به حیات روحانی و ملکوت الهی

۱۷ - بهداشت و طب، بیماری و شفا، معالجات روحی، معالجه به اغذیه

- ۱۸ - مطالب علمی چون بحث نظریه داروین، ردّ بعضی نظرات شبه‌علمی چون علم تنجیم
- ۱۹ - فرامین ملکوتی آن حضرت در نشر کلمه‌الله در سراسر جهان طبق نقشه معین
- ۲۰ - ارائه نقشه کلی نظم بدیع جهان آرای الهی
- ۲۱ - تشریح اوضاع کنونی عالم
- ۲۲ - پیش بینی آینده جهان
- ۲۳ - آثار عرفانی یا آثار مربوط به عرفان و تصوّف
- ۲۴ - برخی مطالب فلسفی مذکور در کتب قدما
- ۲۵ - اطلاعات جغرافیایی (امکنه - بلاد - ابنیه)
- ۲۶ - مطالب تاریخی شامل تاریخ ادیان سابقه، تاریخ امر، خاطرات نفوس و وقایع
- ۲۷ - اشعار و منظومه‌ها
- ۲۸ - مناجات‌ها و ادعیه عمومی و اختصاصی
- ۲۹ - مزاح و مطایبه
- ۳۰ - ردّ تهمتها و اعتراضات معاندین و ناقضین
- ۳۱ - تاکید در مورد عهد و میثاق
- ۳۲ - پاسخ سؤالات در مسائل و امور شخصی یا احیاناً عمومی
- ۳۳ - پاسخ در مورد علوم خفیه و اعتقادات عجیبه
- ۳۴ - تعزیت و تسلیت و صدور زیارتنامه
- ۳۵ - عنایت به زائرین کوی مقصود و بیان اهمیت زیارت و مقام زائر و ترغیب و تهییج بر خدمت در گه احدیت
- هر چند که هر نوع فهرست و طبقه‌بندی آثار حضرت عبدالبهاء علی‌الخصوص در این مرحله از تاریخ امر مبارک نوعی محدود نمودن است اما نگاه اجمالی به همین فهرست عمومی و کلی و تفکر در مورد اینکه چه موضوعاتی در ذیل هر یک از این عناوین کلی می‌آید نشان می‌دهد که آثار حضرت عبدالبهاء پهنه وسیعی از حقایق و معارف دینی، علمی و اجتماعی و ... و مسائل امر مبارک را دربر گرفته است. بنا بر این در متن مکاتیب حضرت عبدالبهاء مطالبی است که در زمینه:
- «تشریح تعالیم و مبادی، تبیین احکام و اوامر، تفسیر اصول و مارب اعلان حقانیت و اصالت امر مبارک، اخبارات و انذارات» می‌باشد.
- و در یک کلام همه امور مطروحه در امر مبارک که به فرموده جمال مبارک «مظلوم، در جمیع ایام من غیر ستر و حجاب امام و جوه اهل عالم نطق فرمود آنچه را که مفتاح است از برای ابواب علوم و فنون و دانش و آسایش و ثروت و غنا...» (تحقیق و تتبع، ص ۳۵)
- و بر مبنای همین وسعت و عظمت حقایق مندرجه در آثار مبارک است که امر بهایی ماهیتی



جهانشمول دارد. لهذا برای هر سؤالی پاسخی دارد. مهم روشی است که ما را به آن پاسخ برساند که علی القاعده تفکر و تعمق و تلاش از عوامل اساسی است.

در فهرست ارائه شده از مضامین آثار حضرت عبدالبهاء نیز باید متوجه چند نکته بود:

اول اینکه بخاطر بسیاریم که مضامین عمده الواح و آثار مبارک حضرت عبدالبهاء محدود به این فهرست نخواهد بود و استقصاء آن نیاز به مرور زمان دارد.

دوم اینکه این مضامین در گستره الواح و آثار مبارک مندرج است. و هر مکتوب یا اثری ممکن است شامل چند موضوع از مضامین مذکوره باشد.

سوم عناوین فهرست شده مسلماً کلی است و ذیل هر کدام از آنها عناوین متعدد دیگری قرار می گیرد. فی المثل عنوان دهم را که مربوط به امور اجتماعی و سیاست مدن می باشد در نظر بگیریم. مطالب متنوعه ای ذیل آن قرار خواهد گرفت که به نحوی جنبه اجتماعی دارد. از جمله:

حرب عمومی و مضرات جنگ، صلح عمومی، فقر و غنا یا مسائل اقتصادی، ثمرات تمدن، ثمرات تدین، انقلابات و اثرات آنها به نحو عمومی، انقلابات ممالک خاص، مسابقه تسلیحاتی، آزادی انسان، بلیات اجتماعی، وحدت عالم انسانی، تأسیس انجمنهای خیریه، تغییر و تحولات اجتماعی، عدم مداخله در امور سیاسی، مدنیت مادیه و مدنیت الهیه، نبوات و آینده نگریهای طلعات مقدسه راجع به جهان و یا ممالک خاص، تأثیر اسفار حضرت عبدالبهاء به غرب، آثار مخالفتها با مرکز میثاق در جامعه، اثرات اتحاد احباء در جامعه، اوضاع اجتماعی ایران و جهان در زمان ظهور، خدمات عام المنفعه و اثرات آن و ...

#### د - مقطع - پایان الواح و مکاتیب مبارک

جناب دکتر راسخ می نویسند که: در اکثر مکاتیب مبارک در پایان برای مخاطب مزید تأیید و توفیق من عندالله مسئلت می فرمایند. یا به عبارت «علیک البهاء الابهی» یا «علیک الشحیه و الشناء» سخن را پایان می دهند و نمونه های دیگری نیز به عنوان حُسن مقطع بشرح زیر مورد استفاده قرار گرفته است:

- ۱ - برخی الواح و مکاتیب به ذکر مناجات خاتمه می یابند.
- ۲ - برخی الواح با ذکر آیه ای از قرآن کریم خاتمه می یابند.
- ۳ - تشویق و ترغیب مورد دیگری در ختم الواح است.
- ۴ - دلداری و امیدبخشی نیز ختم برخی دیگر از الواح مبارک است.
- ۵ - عبارت متعددی که گویای محبت و عطف هیکل مبارک به مخاطب است.
- ۶ - عباراتی که مدل بر تسبیح و تقدیس غیب منیع است.

<u>الگوی کلی الواح مبارک :</u>	
نام مبارک الله یا جمال قدم	هو الله - بسم الله الرحمن الرحيم - هو الابهی ...
مطلع (عبارت شروع)	فرد جامعه مؤسسات امری و اجتماعی خطاب به
متن	توضیح - تشریح - تبیین - تفسیر - دستور العمل (طرح و نقشه) - تشویق - امر به خدمت - اخبار - انداز - پاسخ به سؤالات شخصی و مسائل روزمره - حل مسائل عمیق روحانی و ...
مقطع (عبارت خاتمه)	بایان لوح ، علیک التحیه و الثناء ، و البهاء علیکم و ...

### ساختار لوح مبارک فورل

مطلع :	جناب پروفیسور محترم دکتر فورال علیه بهاء الله الابهی هو الله - ای شخص محترم مفتون حقیقت ...
رفع شبهه نسبت به دیدگاه مبارک راجع به فلاسفه و اهل حکمت	مقصد از طبیعیونی که عقایدشان در مسأله الوهیت ذکر شد حزبی از طبیعیون تنگ نظر و محسوس پرست است ... و میزان مهم ادراک نزدشان میزان حس است. اما فلاسفه الهیون نظیر سقراط و افلاطون و ارسطو فی الحقیقه شایان احترام و مستحق نهایت ستایشند ... همچنین طبیعیون متفتون معتدل که خدمت کرده اند. ما علم و حکمت را اساس ترقی عالم انسانی می دانیم و فلاسفه وسیع النظر راستایش می نماییم.
رابطه عقل و روح انسانی	اما قوای عقلیه از خصائص روح است نظیر شعاع که از خصائص آفتاب است. اشعه در تجدّد ولی نفس آفتاب باقی و برقرار. عقل انسانی در تزاید و تناقص است و شاید عقل به کلی زائل گردد ولی روح بر حالت واحده است ...

- عقل در دایره محدود است ولیکن روح آزاد است.

- عقل به واسطه محسوسات ادراک معقولات کند ولیکن روح طلوعات غیر محدود دارد ...

در انسان قوه کاشفه‌ای است که محیط بر طبیعت است که قوانین طبیعت را درهم شکند

انسان هر چند جسمش اسیر طبیعت است ولی روح و عقلش آزاد و حاکم بر طبیعت است.

... همچنین اسرار مکنونه طبیعت که به حکم طبیعت باید مخفی بماند انسان آن اسرار مکنونه طبیعت را کشف نماید.

... طبیعت مجبور است و انسان مختار.

اگر نفسی تخطر نماید که انسان جزئی از عالم طبیعت است و چون جامع این کمالات است این کمالات جلوه‌ای از عالم طبیعت است ... جواب گوئیم که جزء تابع کل است ممکن نیست که در جزء کمالاتی تحقق یابد که کل از آن محروم باشد.

و طبیعت عبارت از خواص و روابط ضروریه است که منبعث از حقایق اشیاء است و این حقایق کائنات هر چند در نهایت اختلاف است ولی در غایت ارتباط.

و این حقایق مختلفه را جهت جامعه‌ای لازم که جمیع را ربط به یکدیگر دهد.

مثال: ارکان و اعضاء و اجزاء و عناصر انسان در نهایت اختلاف است ولی جهت جامعه‌ای که آن تعبیر به روح انسانی می‌شود جمیع را به یکدیگر ربط دهد.

[اما جسم انسان از آن جهت جامعه بیخبر]

چنانکه نشئه عالم نبات از نشئه عالم انسانی بیخبر است ما نیز از آن نشئه کبری که بعد از نشئه انسانی است بیخبریم.

پس ثابت و واضح شد که این کائنات نامتناهی در جهان به این عظمت هر یک در ایفای وظیفه خویش وقتی موفق گردند که در تحت اداره حقیقت کلیه‌ای باشند تا این جهان انتظام یابد.

... ولی می‌گوییم این کائنات نامتناهی و روابط ضروریه و این ترکیب تام مکتل لابد از مصدری صادر که فاقد الاراده و شعور نیست و این ترکیب

انسان جزئی از طبیعت نیست

نیاز طبیعت به جهت جامعه

لزوم جهت جامعه با اراده و شعور در عالم

نامتناهی که به صور نامتناهی منحل شده مبنی بر حکمت کلیه است.  
 اما حقیقت الوهیت فی الحقیقه مجزّد است یعنی تجزّد حقیقی و ادراک  
 مستحیل ... عالم انسانی بالنسبه به عالم نبات ماوراء الطبیعه است ...  
 بالنسبه به نبات حقیقت انسانی و قوه سمع و بصر ما بعد الطبیعه است و  
 ادراک حقیقت انسان و ماهیت قوه عاقله برای نبات ممکن نیست.

و همچنین از برای بشر ادراک حقیقت الوهیت ... مستحیل.

... نعوت و صفات و کمالاتی که از برای حقیقت کلیه می شماریم مجزّد  
 به جهت سلب نقایص است نه ثبوت کمالاتی که در حین ادراک انسان  
 است. اوصاف و کمالاتی که از برای حقیقت الوهیت می شمیریم این را از  
 وجود و شهود کائنات اقتباس کرده ایم نه اینکه به حقیقت و کمالات الهیه  
 پی برده ایم.

تعالیم حضرت بهاء الله ... جامع جمیع تعالیم است ... نجات و فلاح بدون  
 این تعالیم از برای عالم انسانی مستحیل ... این تعالیم سبب حیات جدیدی  
 از برای عالم انسانی است.

قوه اراده هر پادشاه مستقلی در ایام حیاتش نافذ است

قوه اراده هر فیلسوفی در چند نفر از تلامیذ در ایام حیاتش مؤثر  
 اما قوه روح القدس که در حقایق انبیاء ظاهر و باهر است، قوه اراده انبیاء  
 به درجه ای است که هزاران سال در یک ملت عظیمه نافذ ...

و علیک البهاء الابهی

حیفا - ۲۱ سپتمبر ۱۹۲۱ عبدالبهاء عباس

ادراک حقیقت  
 الوهیت مستحیل  
 است

اطلاق صفت به  
 الوهیت برای سلب  
 نقایص است

مسائل اجتماعی امر  
 بهایی

برهان بر حقیقت  
 انبیاء

مقطع:

امضاء:

مخاطب این لوح مبارک شخصیتی است که در مدارج عالی علمی است و مطالب به صورت  
 تخصصی مطرح شده و لوح مشتمل است بر اهم مطالب اعتقادی بهایی از جمله دیدگاه امر مبارک  
 راجع به فلاسفه، قوای عقلی و ارتباط آنها با روح انسانی، انسان و وجوه ممیزه آن از طبیعت، لزوم  
 جهت جامعه برای حفظ عالم، مباحث مربوط به الوهیت (بحث صفات و اثبات الوهیت)، بیان مسائل  
 اجتماعی امر مبارک و ...

هو الله

ای نوش پر جوش و خروش

مطلع:

صد کرور شعرا و فصحا و بلغا در این توده غبراء آمدند و رفتند و  
انفاس را در هوی و هوس صرف نمودند و اوقات را بی ثمر  
گذراندند. یکی ستایش باغ و راغ و شجر نمود و دیگری وصف  
ماغ و میغ و بحر و بز. یکی از طراوت رخ بتان زبان گشود و  
دیگری از جلالت عارض مهوشان. برخی از سهم و سنان سهام و  
نریمان وصف کردند و بعضی از یال و کویال رستم دستان نعت  
نمودند ولی کل او هام بود.

متن:

الحمد لله تو ستایش جمال قدم و اسم اعظم نمودی و به شکر  
عنایت حق قدیم لب گشودی و داد سخن دادی و حق فصاحت و  
بلاغت ایفا نمودی.

ویژگی شاعر  
مؤمن به امر  
مبارک

پس شکر کن که به چنین موهبتی مخصص گشتی و به چنین  
عنایتی مؤید شدی.

مقطع:

صبح رضوان است و بامداد امداد جمال بی انداد و این عبد به یاد  
تو و یاران الهی دمساز کل را تحیت برسان و بشارت بی پایان  
یزدان ده. ع ع

(مکاتیب، جلد ۱، ص ۴۵۱)

همان طور که ملاحظه می شود مخاطب شاعری بهایی است که مورد عنایت هیکل مبارک است  
و ضمن بیان ویژگی بسیاری از شعراء، شاعر مذکور را به لحاظ وصف جمال قدم تشویق می فرمایند  
در حالی که در گذشته بیشتر اشعار در وصف غیر حق بوده.

شاعری است که وصف جمال مبارک را با فصاحت و بلاغت انجام داده.

## برخی مواضع اساسی که مکرراً و با توضیحات گوناگون در آثار حضرت عبدالبهاء تکرار شده است (مواضع اساسی با فراوانی زیاد)

جناب دکتر محمد افغان می نویسد: «مطالعه کیفیت آثار مبارک که حضرت عبدالبهاء بدون توجه به مقام و وظیفه آن حضرت و سهم بزرگی که در استقرار امر بدیع و تمدن بهایی به حضرتش تفویض شده ناتمام و غیرمبستر است چه که این آثار کلاً در سبیل استقرار هدف و وظیفه مبارک است که به مدلول آیه مبارکه (توجهوا الی من اراده الله) به حضرتش واگذار شده است. جامعه بهایی در ایام مرکز میثاق از ایمان بهم ظهر کلی الهی و نشئه دور جدید سرشار بود ولی هنوز اوامر و احکام کتاب مستطاب اقدس اصالت و استقلال خود را ظاهر نساخته و روابط اجتماعی و اداری جامعه که اساس نظم بدیع است استقرار نیافته بود. بنا بر این نقشه اساسی امرالله متضمن این نکته ها بود که از طرفی حضرت عبدالبهاء در ظل مرکزیت میثاق به عنوان معلم و مرتبی و مشوق و مثل اعلی نفوس خالصه ممتازهای را تربیت فرماید و جامعه را آماده سازد که اخلاق و آداب و صفات بهایی در اطوار عموم ظاهر شود. و از طرف دیگر افراد را برای روش شور و مرکزیت انتخابی که مقدمه تأسیس بیت العدل اعظم منصوص در الواح بود پرورش فرماید و بالاخره امرالله را از تفرقه و تفرق حفظ نماید و برای سد طریق هر گونه اختلاف و انشقاقی و حل و توضیح هر مسأله و حقیقتی تبیین مطالب فرماید و به طرق منطقی و صحیح مقدمات توسعه و استقرار امر الهی در جهان را فراهم سازد بنا بر این اهداف که مذکور شد، حضرتش مرتبی توانا و پدر مهربانی بود که با محبت و رأفت فطری خویش خلق جدید می فرمود و در دل دوستان شوق خدمت و آرزوی فداکاری و خلوص پدید می آورده و سراسر آثار مبارکش مشحون به این لطائف است.»

بنا بر این باید توجه نمود که در ورای تنوع مضامین و کثرت الواح و مکاتیب حضرت عبدالبهاء و نیز در ورای جنبه های علمی و ادبی پنهان و آشکار آنها اهدافی اساسی وجود دارد که بر اساس آن اهداف این آثار مبارک که نازل شده است و مهمترین این اهداف بشرح ذیل است:

- ۱ - پرورش نفوس خالصه ممتازه که آداب و اخلاق و صفات بهایی را به منصفه ظهور رسانند.
- ۲ - آماده شدن احباء برای امر عظیم شور و مشورت و تأسیس بیت العدل اعظم الهی
- ۳ - سد طریق اختلاف و انشقاق از طریق تبیین مسائل و حقایق
- ۴ - فراهم شدن مقدمات توسعه و استقرار امر الهی در جهان به طرق صحیح و منطقی
- ۵ - ایجاد محبت و یگانگی بین احباء و نیز ارتباط معنوی عمیق بین احباء و مرکز امر الهی
- ۶ - ایجاد شوق خدمت و آرزوی فداکاری و خلوص در دل دوستان و مؤمنین
- ۷ - تضمین و تحکیم اهداف عالیه امر مبارک در قلب و روح احباء از طریق تذکار و تکرار برخی

حقایق به انحاء مختلفه در الواح و مکاتیب مبارکه

همچنین بر اساس نوشته جناب محمد افنان: «اگر چه در الواح حضرت عبدالبهاء از کلیه مطالب و مباحث امری اشارات و توضیحاتی مرقوم و به علت سؤال و پرسش افراد تقریباً مطلبی نیست که مذکور نشده باشد مع ذلک هیکل انور بعضی مواضع اساسی را مکرراً در موارد مختلفه و به کیفیتها و توضیحات گوناگون تبیین فرموده اند تا اهداف عالیّه امرالله در قلوب عموم تضمین و تحکیم شود.» بر همین اساس بعضی مواضع در آثار حضرت عبدالبهاء بسیار اساسی است و نشانه آن، فراوانی یعنی تکرار مطلب به انحاء مختلفه و شیوه های متعدده و کیفیتهای گوناگون است. ایشان پنج مورد از این مواضع اساسی را بشرح ذیل بر شمرده اند:

۱) «انحصار حقایق و شؤون کلیه در نفس مقدس جمال قدم است»

جناب دکتر افنان با درج یکی از الواح حضرت عبدالبهاء به حقیقت نشان داده اند که چگونه همه حقایق حصر در نفس مقدس جمال قدم است. از جمله لوح ذیل گویای این اصل اساسی در آثار حضرت عبدالبهاء است:

هو الله

اینها النیر المنیر و سیناء الانور اگر مشتاق دیدارید توجه به ملکوت ابهی کنید و اگر منظر کبریا جوید به افق اعلی بنگرید و اگر چشم بینا خواهید به جمال باقیش گشایید و اگر گوش شنوا طلبید سمع را متوجه الحان مقدسش کنید و اگر زبان گویا جوید ب ذکر و ثنائیش بر خیزید و اگر روی روشن خواهید به نضره رحمن مزین کنید و اگر گلزار و گلشن جوید دل را به معرفتش بیارید و اگر صدر رحیب خواهید به حبش منشرح سازید و اگر نطق فصیح طلبید به بیان خلق کریمش پردازید و اگر کلام بلیغ جوید به وصف جمال مبینش ناطق گردید و اگر حجت بالغ خواهید به برهانش دم زنید و اگر بیان واضح طلبید در الواح و زبرش بنگرید و اگر جهان را معطر خواهید روایح قدسش منتشر نمایید و اگر ملکوت وجود را معبر خواهید از خلق و خویش بیان کنید و اگر نورانیت امکان بجوید ترویج احکامش کنید. اگر تقدیس اکوان طلبید به نصایحش گوش دهید و اگر عهد و پیمان جوید به وصایایش قیام کنید و اگر نور ایمان خواهید در کلماتش نظر کنید و اگر جوهر ایقان طلبید در ظهور آیات و آثارش تفکر کنید. و اگر حقایق و معانی خواهید در گفتارش تأمل کنید و اگر جوهر روح عالم خواهید در رفتارش بنگرید و اگر حیات عالم خواهید به اعمال و کردارش تأسی نمایید و الروح و البهء علیکما

همان طور که ملاحظه می شود هیکل مبارک هر خیری را به وجود حضرت بهاء الله محصور می فرماید و شرط رسیدن به آن را توجه به جمال مبارک می دانند. یعنی:

شوق دیدار ← توجه به ملکوت ابهی  
منظر کبریا ← نگرستن به افق اعلی

چشم بینا	←	گشودن به جمال باقی
گوش شنوا	←	توجه به الحان جمال مقدسش
زبان گویا	←	ذکر و ثنای جمال قدم
روی روشن	←	تزیین به نضره رحمان
گلزار و گلشن	←	آراستن دل به معرفت جمال قدم
صدر رحیب	←	انشراح به حب جمال مبارک
نطق فصیح	←	بیان خلق و خوی جمال مبارک
کلام بلیغ	←	وصف جمال مبارک
حجت بالغ	←	دم زدن به برهان جمال مبارک
بیان واضح	←	نگریستن در الواح جمال مبارک
جهان معطر	←	انتشار روایح قدس
ملکوت وجود معنبر	←	بیان خلق و خوی جمال مبارک
نورانیت امکان	←	ترویج احکام جمال مبارک
تقدیس اکوان	←	گوش فرا دادن به نصایح جمال مبارک
عهد و پیمان	←	قیام به وصایای جمال مبارک
نور ایمان	←	نظر در کلمات جمال مبارک
جوهر ایقان	←	تفکر در ظهور آیات و آثار جمال مبارک
حقایق و معانی	←	تأمل در گفتار جمال مبارک
جوهر روح عالم	←	نگریستن در رفتار جمال مبارک
حیات عالم	←	تأسی به اعمال و کردار جمال مبارک

همان طور که ملاحظه می شود حصول همه اعمال خیر منوط به توجه به جمال مبارک است. این حصر حقایق اولاً حکایت از تعلق شدید و عبودیت حضرت عبدالبهاء نسبت به جمال مبارک دارد و ثانیاً گویای عظمت و مقامی است که حضرت عبدالبهاء برای کلیه مظاهر مقدسه الهیه قائل هستند و این موضوع ارتباط تام با معرفت شناسی بهایی و یا اصول عقاید بهایی دارد. زیرا بر اساس عقاید بهایی چون انسان از درک حقیقت الوهیت عاجز و قاصر است لهذا اراده الهیه بر این قرار گرفته است که توجه به مظاهر مقدسه الهیه در جمیع شؤون به منزله توجه به حق متعال تلقی گردد.

و در مقامی دیگر می فرمایند، قوله العزیز:

«... زیرا به واسطه تعالیم و عنایات جمال مبارک هر فوز و فلاحی حاصل می شود. اگر تأییدات و عنایات او نبود و الله الذی لا اله الا هو که چون ما از ساحل شرق به امریکا داخل و از غرب خارج شدیم به ما ابداً کسی اعتنا نمی نمود. اینها همه تأییدات جمال مبارک است که این ابواب را مفتوح فرمود و به



قوه ایمان صعود به معارج عالیه حاصل می کنیم و در ملکوت ابهی عزیز می شویم و این نفوس جلیله به این صداقت و محبت به ما خدمت می کنند...»

(کتاب یادداشتهایی در باره حضرت عبدالبهاء - جمع آوری جناب هوشنگ محمودی)

## ۲) عهد و میثاق و استحکام اساس امرالله

جناب دکتر افغان توضیح می دهند که گرچه در اکثر آثار حضرت عبدالبهاء، مطالب با رأفت ذاتی و عفو و صفح جلیلی حضرت تش به نوعی ملایمت مقرون است ولی موضوع عهد و میثاق به نحوی مطرح شده که آثار حضرت عبدالبهاء در این خصوص «همواره صریح و قاطع و صارم» است. «اعظم تجلی جمال قدم در این بزم اتم در هیکل میثاق جلوه فرمود و بر آفاق اشراق نمود.»

(مکاتیب، جلد ۱، ص ۴۱۴)

(مکاتیب، جلد ۱، ص ۴۱۷)

(حدایق میثاق، ص ۸۴)

«کل به یقین مبین می دانند که حصن حصین، قلعه میثاق است.»

«جمال مبارک ناصر میثاق است و حامی عهد خویش»

«هو الله»

یا اسم الله الیوم میزان کل شیئی و مغناطیس تأیید عهد و میثاق رب مجید است. کل را باید به این اساس متین دلالت نمود چه که بنیان حصین جمال مبین است. هر نفسی ثابت تر مؤیدتر و موفقتر است و اگر روح القدس مجسم گردد فرضاً ادنی توقف نماید قسم به جمال قدم روحی لایحیانه الفداء که جسم معوق و جسد معطل گردد...»

بنابر تصریح طلعات مقدسه بهایی و اعتقاد صریح اهل بهاء اعظم قوه ای که امر بهایی را از تفرقه و تشتت و اختلافی که دامنگیر همه ادیان بزرگ قبل شد، حفظ نموده و می نماید همین قوه عهد و میثاق و تمسک به آن است. لذا آثار حضرت عبدالبهاء مشحون از مضامین و دلالات در باره عهد و میثاق و عنایات در مورد متمسکین به عهد و میثاق الهی است از جمله:

ای احباء و اماء الرحمن

نامه‌ای از محفل روحانی لاس آنجلیز رسید دلیل بر آن بود که نفوس مبارکه کلیفورنیا مانند جبل راسخ مقاومت اریاح نقض می‌نمایند و چون اشجار مبارکه در ارض میثاق ریشه نموده‌اند و در نهایت متانت و ثباتند. لهذا امید از الطاف شمس حقیقت دارم که روز بروز بر متانت و استقامت بیفزایند.

امتحانات هر امری بقدر عظمت آن امر است. چون تا بحال چنین میثاقی صریح به قلم اعلی و وقوع نیافته لهذا امتحانات نیز عظیم است. این امتحانات نفوس ضعیفه را متزلزل نماید ولی در نفوس قویه امتحان چه تأثیر دارد؟ این شبهات نقض مانند کف دریاست و دریایی کف نمی‌شود. بحر میثاق یک موج زند تا اجسام میته را بکنار اندازد زیرا دریا جسم مرده قبول ننماید.

این است که بحر میثاق موج زد تا اجسام میته را بیرون انداخت

یعنی نفوسی را که از روح الهی بی بهره‌اند و تابع نفس و هوئی - هواء ریاست

دارند

بازی این کفهای دریا بقایبی ندارد عنقریب محو و نابود گردد. ولی دریای میثاق الی الابد پرموج است و در جوش و خروش. ملاحظه کنید که حضرت مسیح روحی له الفداء به جهت محافظت و وحدت مسیحی در حق بطرس فرمود تو صخره‌ای و بر این صخره کلیسای خود را بنیاد نهم. این کلمه سبب شد که جمیع خاضع و خاشع شدند و هزار سال وحدت مسیحی محافظه گشت با وجود آنکه این کلمه امر به توجه و متابعت نیست و روایت است که حضرت مسیح چنین فرمود. با وجود این در دریای مسیح هر چه کف پیدا شد محو و نابود شد و هر جسم مرده که طالب زخرف دنیا بود آن را به کناره انداخت.

حال حضرت بهاءالله به اثر قلم اعلی کتاب عهد مرقوم فرمود و نام آن را کتاب عهد گذاشت و از جمیع عهد و میثاق گرفتند اول خطاب به اغصان و افنان و منتسبین فرمودند که توجه به مرکز میثاق نمایند و به نص کتاب اقدس مرکز میثاق را مبین کتاب فرمودند که از اول ابداع تا یومنا هذا در ظهور مظاهر مقدسه چنین عهد محکم متینی گرفته نشده با وجود این، این کفها را در بحر میثاق بقایبی؟ لا والله.

ناقضین آبروی خویش را می‌برند و تیشه بر ریشه خود می‌زنند مغرور به چند

ابراز عنایت نسبت به احباء

این میثاق عظیم است پس امتحان نیز عظیم است

کلام مسیح راجع به بطرس مبنای میثاق و حافظ وحدت ۱۰۰۰ ساله بود

عهد و میثاق حضرت بهاءالله بی نظیر است مکتوب و صریح است

اوصاف ناقضین

نفس چاپلوسند که در نهایت تملقند که از شدت تملق بعضی نفوس ضعیفه را متزلزل می نمایند. لکن این عاقبت ندارد. سراب است نه آب، کف است نه دریا، مه است نه ابر، مجاز است نه حقیقت. عنقریب خواهید دید.

باری شما که الحمدلله ثابت و راسخید، شکر کنید که مانند اشجار مبارک که در ارض میثاق ثابت و راسخید و یقین است که هر ثابت ثابت است. اثمار جدید بیار آورد و روز بروز بر طراوت و لطافت بیفزاید.

به جمیع الواح مبارک حضرت بهاءالله چه از آیات و چه از مناجات ملاحظه کنید که البته در هزار موقع مناجات فرمودند که خدایا ناقضین میثاق را معدوم کن و مخالفین به عهد را مغلوب نما و هر نفسی که ثابت بر عهد و میثاق نماند مردود حق است و هر نفسی که ثابت بر عهد و میثاق است مقبول در گاه احدیت و از این قبیل آیات و مناجات بسیار. مراجعت نمایید خواهید یافت.

اوصاف ثابتین بر عهد

جایگاه ثابتین در الواح و نیز موقف ناقضین عهد

باری شما ابتدا ملول نشوید آنچه نقض بیشتر دیدید بر ثبات و استقامت بیفزایید و یقین کنید که جُند الهی غالب است زیرا مؤید به نصرت ملکوت ابهی در جمیع آفاق. عَلم اهل ثبوت و استقامت بلند است و عَلم نقض

منکوس.

زیرا معدودی قلیل از نفوس ضعیفه فریب تملق و تذلل ناقضین خورده اند و در نهایت ستر اظهار ثبوت می نمایند و در باطن به تحریک مشغولند مگر چند نفر که اصل محرکین نقضند. آنان متظاهر به نقضند و مابقی معدودی قلیل به لطائف الحیل نفوس را فریب می دهند زیرا به لسان اظهار ثبوت و استقامت بر عهد می کنند ولی چون گوشی بیابند خفياً القای شبهه می نمایند.

جمیع اینها مانند نقض عهد یهودی اسخریوطی است. ببینید هیچ اثر و ثمری از آنها باقی؟ به درجه ای که از اتباعش اسمی باقی نمانده. مثل اینکه اتباعی نداشته. با آنکه جمعی از یهود با او همدستان بودند. این یهودی اسخریوطی که رئیس حواریین بود حضرت مسیح را به سی درهم فروخت فاعتبروا یا اولی الابصار.

حال این نفوس مهمله ناقضین، مرکز میثاق را به مبالغی که به انواع حیل گدایی کرده اند البته می فروشند. سی سال است که حضرت بهاءالله صعود نموده و این ناقضین به تمام همت کوشیدند. آیا تا به حال چه کرده اند؟ در جمیع مواقع ثابتین بر میثاق مظفر بودند و ناقضین مغلوب و مردود و

ناقضین و نحوه عمل آنها

مشابهت تاریخی و دینی

نقض عهد سرانجام ندارد و همواره ثابتین بر عهد مظفرند

منحوس. بعد از صعود عبدالبهاء اثری از اینها باقی نخواهد ماند. این نفوس نمی‌دانند چه خواهد شد مغرور به او هام خودند.

دستور العمل زندگی  
احیاء

باری ای احبای الهی و اماء رحمن دست قدرت الهی تاج مرضعی از برای شما ترتیب داده که جواهر زواهرش الی الابد بر آفاق می‌تابد. قدر این موهبت را بدانید و به شکرانه آن لسان بگشایید و به ترویج تعالیم الهی پردازید. زیرا این روح حیات است و سبب نجات و علیکم و علیکن البهء الابهی ع ع

### ۳) توجه خاص به تبلیغ امر الله و تشویق به این خدمت اعظم

جناب دکتر افغان می‌فرمایند (کمتر لوحی توان یافت که مخاطب مورد عنایت بوده باشد و در آن ذکر تبلیغ و امر به نشر نفعات نباشد. در یکی از الواح عمومی چنین می‌فرمایند: «سمع عبدالبهاء دائماً مترصد تا از چه اقلیمی الحان بدیع رسد و از چه کشوری نغمات جانپرور مسموع آید. اگر سرور این دل و جان را خواهید چنان نغمه و آوازی بلند کنید که اهل ملاء اعلی به اهتزاز آیند و سگان ملکوت ابهی همدم و همراز گردند.»)

اهمیت تبلیغ، مفهوم تبلیغ، روش تبلیغ و تأثیر آن در عالم امر و عالم انسانی از جمله مواردی است که مورد توجه خاص حضرت عبدالبهاء بوده و از جمله مواردی است که هیکل مبارک طرح و نقشه آن را ترسیم فرموده‌اند که در حال و آینده مبنا و منشاء همه طرحهای مبتنی بر نشر و گسترش امر الله در جهان است. و آن مجموعه الواح مبارک که موسوم به فرامین تبلیغی است.

جناب هوشنگ محمودی در کتاب یادداشتهایی در باره حضرت عبدالبهاء می‌نویسند: «یکی از اقدامات تاریخی و بزرگ هیکل مطهر حضرت عبدالبهاء پس از مراجعت از سفر غرب صدور چهارده لوح است که به عنوان فرامین تبلیغی معروف است. داستان نزول این الواح الهیه که متضمن نقشه تبلیغی سراسر کره ارض است و کیفیت ارسال آن به امریکا و تأثیرش در احبای امریکا شنیدنی و دلنشین است...»

و نیز در همان منبع آمده است:

«از یومی که پرده از وجه چهارده الواح عمومی عالم در مجمع سالیانه مشرق الاذکار برداشته شد و محتویات آن کتب آسمانی بر عالمیان اظهار گردید و قوت اسم اعظم و جلال و عظمت مرکز میثاق در آن جلسه‌های پرشور و وله اعلان شد یک نهضت دلربای روحانی و یک حرکت معنوی عظیمی در میان بهایان امریک هویدا گشته که آثار آن عالمگیر و نتایجش بی نظیر است.»

### ۴) وحدت عالم انسانی

«... جمیع بلایا و رزایا را جمال موعود تحقل فرمود تا در میان بشر وحدت انسانی تقریر یابد و

اتحاد و یگانگی تأسیس جوید و بنیاد اختلاف و بیگانگی بکلی برافتد. در جمیع الواح تحریر و تشویق و تصریح فرمود که فلاح و نجاج حصر در وحدت عالم انسانی است که باید مانند بارقه مصباح صباح در آفاق منتشر گردد. زیرا در هر ظهوری که اشراق صبح هدی شد موضوع آن اشراق امری از امور بود... اما در این دور بدیع و قرن جلیل اساس دین الله و موضوع شریعت الله رأفت کبری و رحمت عظمی و الفت با جمیع ملل و صداقت و امانت و مهربانی صمیمی قلبی با جمیع طوائف و نحل و اعلان وحدت عالم انسان است حتی بیگانه آشنا شود و اغیار یار شمرده گردد. با جمیع ملل افراد بشر از هر ملل و نحل باید به نهایت دوستی و راستی و امانت و دیانت و الفت و اتحاد معامله کرد.» (مکاتیب، جلد ۲، ص ۲۶۵)

بر اساس بیان مبارک فوق:

۱ - مقصود جمال مبارک از تحمّل بلایا استقرار وحدت عالم انسانی و برانداختن بنیاد اختلاف و بیگانگی است.

۲ - نجاج و فلاح عالم انسان حصر در وحدت عالم انسانی است.

۳ - اعلان وحدت عالم انسانی و الفت با جمیع بشر اساس این ظهور مبارک و این دور بدیع است.

۴ - وحدت عالم انسانی عام است و شامل جمیع ملل می شود.

#### ۵) اهمیت تخلّق به اخلاق بهایی و تحقّق کمالات در نفوس اجزاء رحمانی

جناب دکتر افغان در ابتدای نوشته خود در باره معرفی آثار و مکاتیب حضرت عبدالبهاء مطلبی مرقوم نمودند که ذکر شد و به مناسبت موضوع تکرار می شود:

«بنا بر این نقشه اساسی امر الله متضمن این نکته ها بود که از طرفی حضرت عبدالبهاء در ظلّ مرکزیت میثاق به عنوان علم و مرتبی و مشوق و مثل اعلیٰ نفوس خالصه ممتازه ای را تربیت فرماید و جامعه را آماده آن سازد که اخلاق و آداب و صفات بهایی در اطوار عموم ظاهر شود...»

بر این اساس بیانات مبارک حضرت عبدالبهاء در مواضع متعدد در جهت نیل جامعه پیروان اسم اعظم به تحقّق کمالات در نفوس خویش و رساندن آنها به منزه ظهور می باشد. قوله العزیز:

۵ - ۱) بهایی باید شمع آفاق باشد و نجم ساطع از افق اشراق. اگر چنین است نسبتش حقیقی است و الا نسبت مجازی است. (مکاتیب، جلد ۲، ص ۲۸۰)

۵ - ۲) پس ای یاران الهی جهدی بلیغ نمایید و سعی شدید کنید تا موفق به عبودیت جمال قدم و نور مبین گردید و سبب انتشار انوار شمس حقیقت شوید. (مکاتیب، جلد ۲، ص ۲۷۳)

۵ - ۳) باری اگر جهان بی بقا و جهانیان بی وفا را قدر و بهایی بود اول این نفوس مقدسه تمنای آسایش و زندگانی می نمودند و آرزوی خوشی و کامرانی. پس به یقین مبین بدانید و چون نور مبین مشاهده کنید و آگاه و برانتهابه گردید که اهل هوش و دانش بلایای سبیل الهی را راحت جان و مسرت وجدان شمرند و مشقات را صرف عنایات دانند ... (مکاتیب، جلد ۱، ص ۴۴۴)

۴ - ۵) چون یوسف مصر ملاحظت در کمال صباحت شهره کوی و بازار گشت، عاشقان هشیار و خریداران بیدار در وجد و سرور آمدند و در طرب و جذب و حبور، پایکوبان، کف زنان به قربانگاه عشق شتافتند و جان و سر و دل بیاختند و جان به جانان فدا نمودند و به وصلت حقیقت رسیدند و در جلوه گاه جمال مقرر گزیدند و به فوز عظیم و نعیم مقیم بهره مند شدند و ارجمند گشتند اما کاذبان و مدعیان محروم گشتند و مغبون زیستند و بر حال خود گریستند کور مبعوث شدند، کر محشور گشتند. (مکاتیب، جلد ۱، ص ۴۶۳)

۵ - ۵) ای یاران الهی سرور و شادمانی اهل وفا به خدمت عتبه علیاست و توجه به ملکوت ابهی. آرزوی عاشقان، جانفشانی و تمنای مشتاقان، نثار جان و قربانی. زیرا عشق خونریز است و شررا انگیز و آینه محبت لله شهادت کبری. لهذا نفوس مقدسه و مظاهر الهیه آرزوی فنا و وصول به مشهد فدا داشتند... این است برهان عاشق صادق و این است دلیل حبیب موافق اگر چنین نبود هر بیگانه آشنا بود و هر محروم محرم راز و هر بعید قریب و هر محجوب محبوب. لهذا حکمت کبری اقتضا نمود که آتش امتحان شعله زند و سیل افتتان طغیان نماید تا صادق از کاذب ممتاز گردد...

(مکاتیب، جلد ۱، ص ۲۹۰)

۵ - ۶) اینقدر التماس از احبای الهی دارم که سبب اختلاف در این امر که جوهر تقدیس است نگردند... هر نفسی را که ملاحظه نمایید که نفعه ای از روائج غیر مرضیه در مشامش تأثیر نموده نصیحت فرمایید که متنبه و بیدار گردد و از غیر رضای جمال مبارک بیزار شود. (مکاتیب، جلد ۱، ص ۳۴۶)

۵ - ۷) ای یاران الهی اگر نفسی غیبت نفسی نماید این واضح و مشهود است که ثمری جز خمودت و جمودت نیارد. اسباب تفریق است و اعظم وسیله تشتیت. اگر چنانچه نفسی غیبت دیگری کند مستمعین باید در کمال روحانیت و بشاشت او را منع کنند که از این غیبت چه ثمری و چه فایده ای؟ آیا سبب رضایت جمال مبارک است یا عزت ابدیه احبای الهی؟ آیا سبب ترویج دین الله است یا علت تثبیت میثاق الله؟ نفسی مستفید گردد و یا شخصی مستفیض؟ لا والله. بلکه چنان غبار بر قلوب نشیند که دیگر نه گوش شنود و نه چشم حقیقت را بیند. ولی اگر نفسی به ستایش دیگری پردازد و به مدح و ثنا لسان بگشاید مستمعین به روح و ریحان آیند و به نفعات الله مهتز گردند قلوب را فرح و سرور آید و ارواح را بشارت احاطه کند که الحمد لله در ظل کلمه الهی نفسی پیدا شده که مرکز خصائل و فضائل عالم انسانی است و مظهر عواطف و الطاف حضرت رحمانی. رخی روشن دارد و زبانی ناطق در هر انجمن. حال کدام یک خوشتر و دلکشتر؟ قسم به جمال الهی که چون خیر یاران شنوم قلب به نهایت روح و ریحان آید و چون اشاره از کدورت دوستان بینم در نهایت احزان مستغرق گردم. این است حالت عبدالبهاء دیگر ملاحظه فرمایید که چه باید و چه شاید. (مکاتیب، جلد ۱، صص ۳۶۴ و ۳۶۵)

با توجه به مضامین بیان مبارک:

آثار غیبت:

۱- خمودت و جمودت

۲- تفریق و تشنیت

۳- کدورت قلب

۴- ندیدن و نشنیدن حقایق

۵- نداشتن ثمر و اثر برای نفوس و امرالله

۶- حزن عبدالبهاء

آثار ستایش دیگران:

۱- حصول روح و ریحان

۲- اهتزاز و فرح قلوب و ارواح

۳- متوجه شدن به خلافت کلمه الله

۴- سرور قلب عبدالبهاء

## بحثی در باره سبک و سیاق مکاتیب حضرت عبدالبهاء

هر یک از محققین بزرگوار که به بررسی آثار حضرت عبدالبهاء پرداخته‌اند در برابر عظمت آن سر تسلیم فرود آورده‌اند و اذعان نموده‌اند که حتی به طبقه‌بندی آثار حضرت عبدالبهاء آنچنان که شایسته است قادر نیستند تا چه رسد به بررسی سبک و سیاق آن حضرت. بدون تردید کثرت و تنوع آثار هیکل مبارک، احاطه علمی به معنای عام آن و نیز سطره ادبی آن حضرت و مقدم بر همه مقام و موقعیت روحانی حضرت عبدالبهاء، جملگی از مواردی است که نشان می‌دهد کار تحقیقی و بررسی آثار مبارک راهی ناهموار و بسیار دشوار است. شاید یکی از بهترین توصیفات، نوشته‌ای باشد که از نویسنده و ادیب مشهور مسلمان شکیب ارسلان پس از صعود هیکل مبارک بیادگار مانده است. او می‌نویسد:

«سرعت خاطر و منطق محکم قوی و وسعت علم و وفور حکمت و دانش وی انسان را متحیر و مندهش می‌ساخت. بلاغت عبارات و فصاحت کلمات وی در درجه اعلی بود. بیانات عبدالبهاء همیشه دارای حقیقت و راهنمای طریق صواب و گفتارش پیوسته فصل الخطاب بود. مکاتیب و نوشتجاتش مانند قطعات مزین به جواهر نفیسه و مطرز به گوهرهای بقریمت چشم ظاهر و دیده قلب را روشن می‌نمود. فیض بیاناتش دارای کلمات جامعه پر معنی و حکمت و ایر آسمان دانش و علم وی مانند سیل خروشان همیشه در جریان و ریزش بود. شخص عالم و عاقل و ادیب همیشه آرزو دارد که در تمام مدت عمر از حضور و مجالست وی منفک نشود و روح خود را از گفتارهای شیرین التذاذ ببخشد و از شکوفه‌های علم و حکمت وی سرشار و خرم گردد و از منهل عذب زخارش سیراب شود. عبدالبهاء آخرین درجه عقل و حکمت را دارا بود و در الهیات مثل اعلای الهی بود. در اصالت رأی و نظر عمیق و قوت برهان و محکمی استدلال نظیری برای او نبود. در عظمت اخلاق و علم به مقامی بود که اگر کسی بگوید عبدالبهاء فرید دهر و وحید عصر و اعجوبه دوران بود یقیناً راه مبالغه نپیموده است. اگر کسی اظهار کند که مادر روزگار در صدها سال مانند عبدالبهاء کسی را به وجود نیاورده است البته راه خطا نرفته و گفتارش مملو از صواب و حقیقت است... اگر مقتضیات زمان و مکان با من همراهی کند بسیاری از رسائل رشیقه فصیح و مکاتیب انیقۀ بلیغه او را که دلیل بزرگی است بر علو مقام او در بلاغت و عربیت هر آینه منتشر کرده و خواهم کرد.»

(از کتاب حیات حضرت عبدالبهاء، تألیف محمد علی فیضی)

همان طور که ملاحظه می‌شود در منظر این ادیب مسلمان و عرب زبان حضرت عبدالبهاء فرید و وحید اعصار است در:

سرعت خاطر، منطق قوی و محکم، وسعت علم، وفور حکمت، فصاحت و بلاغت کلمات، حقیقت بیان، گفتار فصل الخطاب، جامعیت کلام، جوشش علم و دانش، حد اعلای عقل و حکمت،



اصالت رأی، عمق نظر، عظمت اخلاق و علم و ...

### ۱) نظم در آثار حضرت عبدالبهاء

قبلاً متذکر شدیم که مطالعه آثار و مکاتیب حضرت عبدالبهاء باید با توجه به مقام و هدف هیکل اطهر که همان تبیین آیات جمال قدم و توسعه امر مبارک و هدایت و تربیت نفوس است صورت گیرد. لہذا می توان گفت که هیکل مبارک هم نظم کلامی و هم نظم طبیعی و هم احاطه علمی را در خدمت امر جمال مبارک و در جهت بیان حقایق روحانی در این دور بدیع گرفته اند. در اینجا منظور از نظم، استفاده از انواع اسلوبهای کلامی و ظرافتهای ادبی و هنری است که مطالب را ملایم طبع انسانها نماید و در اعماق وجود آنها تأثیر گذارد. در طول تاریخ، بشر مجذوب کلام منظوم بوده است و بر همین اساس، شعر و خطابه و ادبیات مورد توجه انسان بوده است.

بناهای تاریخی به لحاظ استفاده از نظم و تقارن همیشه مطبوع نوع بشر بوده است. آسمان پرستاره و طبیعت زیبا و هماهنگ به لحاظ نظم خود همیشه بشر را مجذوب نموده است. موسیقی به لحاظ نظم و هماهنگی توانسته است در اعماق روح انسانی نفوذ نماید. هر قدر که امور تغییر و تحول پذیرفته، و این تغییر و تحولات در عرصه های مختلفه زندگی بشر ایجاد گردیده است و باعث دگرگونی شده است اما نظم و هماهنگی و دل بستگی به تناسب و تقارن که از مبانی زیبایی و هنر است همچنان بشر را مفتون خویش داشته و دارد. همین عناصر تناسب و تقارن و نیز سادگی در نظم است که آن را برای همه قابل درک ساخته است. یعنی هر کس در سطح خود نظم را می فهمد و درک می نماید و بر این اساس باید گفت آثار حضرت عبدالبهاء دارای مقامات متنوعه ادبی، علمی، هنری، فلسفی، کلامی و دینی است که در کمال نظم و هماهنگی در کنار هم قرار گرفته و محملی شده است برای بیان حقایق روحانی و هدایت نفوس و معرفی امر جمال مبارک به عموم اهل عالم از هر طبقه و مقامی و نتیجه این هماهنگی تربیت افراد و خلق جدید است که هدف غایی امر مبارک است. جناب دکتر شاپور راسخ در باره مقام ادبی آثار حضرت عبدالبهاء می نویسند:

« آثار مرکز عهد و میثاق غنای لفظ، تنوع و علو معانی، فصاحت و بلاغت، آراستگی و زیبایی و در عین حال خوش آهنگی و موزونی را به حد کمال می رساند و در بسیار موارد از مرز ادب ساده فراتر می رود و یا چون نقاش ماهر تصویر سازی می کند و یا چون اصحاب موسیقی، نثر را به حد شعر آهنگ می بخشد. کلام آن حضرت در عین انسجام و استحکام عذب و سلیس است و به دل می نشیند و شور می انگیزد.»

همچنین جناب راسخ در باره تنوع سبک و اسلوب آثار حضرت عبدالبهاء می نویسند:

« آثار حضرت عبدالبهاء از لحاظ سبک و اسلوب بسیار متنوع از نثر مُرسل تا نثر مسجع، سبک

ساده تا اسلوب آراسته، سخن نزدیک به فهم و درک عامه تا کلام مخصوص به اهل اصطلاح و خواص، عبارات کوتاه تا جمله‌های مطول همه در آن دیده می‌شود و در مواردی نیز شیوه سخن حضرتش چنان است که گوش برای طبقات خاصی از معاصران نوشته شده و به لحن کلام همان طبقات مشابه است مانند رساله مدنیه که از جهاتی با اسناد و آثار دوران نزدیک به انقلاب مشروطیت در ایران قابل مقایسه و مطابقت است. خطابات یا افاضات شفاهی آن حضرت (نطقها در اروپا و امریکا - مفاوضات مبارکه ...) خود لحن و طرزی دیگر دارد که روشنی، سادگی، مطابقت با مقتضای وقت و حال، کوتاهی عبارت و گاه تکرار آن برای تاکید و تفهیم بهتر، اعتدال در ادای معانی و کلمات، نظم منطقی فکر و بیان، استفاده از حوادث روز و مظاهر طبیعت یا غیر آن برای ایضاح مطلب و گریز و پرهیز از هر گونه لفاظی بیهوده و تهییج بی‌رویه از مختصات آن است.»

## ۲) مظاهر طبیعت و آثار مبارکه حضرت عبدالبهاء

یکی از جلوه‌های بدیع و کم نظیر در آثار مبارکه حضرت عبدالبهاء به‌ویژه آن دسته آثار که عنوان خاص مکاتیب یافته است، تناسب و تقارن حیرت‌انگیزی است که بین مظاهر طبیعی و جلوه‌های روحانی موجود در دیانت برقرار شده است و حکایت از آن دارد که طبیعت به‌عنوان جایگاه انسان و جلوه‌گاه روح بشری چگونه محمل روحانیت قرار گرفته است. انس بشر با طبیعت و فطرت حقیقت جو و متمایل به الوهیت بشری در آثار مبارکه حضرت عبدالبهاء متحد شده به نحوی که روح هر کسی را که به مطالعه آنها می‌پردازد به پرواز می‌آورد و سرشار می‌نماید.

فضای لایتناهی، آسمان پرستاره، زمین زنده و شاداب، غرش زعد، درخشش برق، خروش امواج دریا، ریزش باران، وسعت دریا، گرمی آتش، زیبایی گلستان، جلوه‌های بهار، ثمرات تابستان، خزان پاییز و سرمای زمستان، زیبایی طبیعت، موسیقی معنوی طبیعت و صدها جلوه دیگر مظاهر طبیعی را هیکل مبارک در خدمت بیان حقایق روحانی گرفته‌اند و منظومه‌ای منسجم از زیبایی کلام و انبعثات روحانی فراهم نموده‌اند که اعماق جان و روان را به وجد و سرور می‌آورد. روح تازه می‌بخشد، آگاه می‌کند، امید می‌دهد و وحدت می‌بخشد. وحدتی که در متن کتاب تکوین و کتاب تدوین وجود دارد و دیده حقیقت بین می‌خواهد تا آن را درک نماید.

جناب دکتر افغان یکی از الواح مبارکه را مثال زده‌اند و به نظر ایشان در این لوح مبارک حضرت عبدالبهاء، اولاً ظهورات الهی و بخصوص ظهور اعز ابهایی را توصیف می‌فرمایند و در مرحله ثانی ثمرات و نتایج ظهور را ذکر می‌نمایند و این لطافت و شکوه در ترکیب و بیان حقایق روحانی در قالب مظاهر طبیعی است.

(مکاتیب، جلد ۱، ص ۴۴۷)

هو الله

ای دوستان الهی و منجذبان ملکوت رحمانی از عادات الهی و حکمت‌های بالغه صمدانی آنکه چون

فصل ربیع آید و صولت خریف را شکنند و بهار جانبخش برسد و آفتاب انور به برج حَمَل بخرامد و ابر نیسانی گوهر افشاند و لواقع اردیبهشت بوزد و نسائم جانبخش آزادی بگذرد،

درخت سبز شود و شاخسار شکوفه نماید و دشت و صحرا و تلهها چون زمرد خضراء غبطه سندس و استبرق گردد. گلها و لالهها چمن بیاراید و مرغزار و گلزار رشک باغ جنان شود و سرو در بوستان بیالد و بلبل بنالد و عندلیب ناله و فغان نماید و غنچه نکته در دهان گیرد و جمیع این مواهب حضرت بیچون رخ بگشاید.

ولکن هنگام ثمر و میوه تر و نتیجه این اثر فصل صیف است و موسم حرارت غیظ و در شدت سورت تابستان است و در حدت حرارت شمس آسمان.

پس حال که بهار الهی منتهی شد و بساط ربیع معنوی منظوی گشت لطافت گل و سنبل جمال محبوب مخفی شد و حُسن جمال محبوب ابهی در ملکوت اعلی و جبروت بقا و ممالک اخری جلوه فرمود.

باید از اشجار حقایق احباء الله در حدایق امر الله اثمار لطیفه طیبه و فواکه بدیعه رطبه روحانیه ظاهر و هویدا گردد و الا از آن بهار الهی نصیب نداشته و بهره نبرده و از فضل نیسان فیوضات حضرت یزدان محروم مانده و از نسائم جانبخش ریاض احدیت مایوس گردیده و لایق سوختن و افروختن گلخن است.

چه که باغبان الهی را مقصد در غرس این اشجار و نشانیدن نهالهای بیهمال در این مرغزار و فیض بهار الهی و بخشایش غیرمتناهی ربانی و اشراق و تربیت شمس حقیقت و هبوب لواقع عنایت و موهبت جمال احدیت ظهور اثمار و بروز فواکه طیبه مشکبار است.

و موسم بهار اگر طراوت و لطافت اشجار و شاخسار بیشتر و شکوه و جلوه و زینت و زیور گلها و ریاحین و ازهار باهر تر و دشت و صحرا سبز و خرمتر گردد و موسم استفاضه از فیض است.

لکن ظهور و نتایج و ثمر و فواکه ما لا رأی عین و لا سمعت اذن و لا خطر بقلب بشر در موسم تابستان است طوبی لشجرة ظهرت منها النتيجة و الثمر العظیم ع ع

### ۳) صنایع ادبی در آثار حضرت عبدالبهاء

از نظم الهی موجود در آثار حضرت عبدالبهاء آنچه مورد توجه در این مجموعه است مربوط به صنایع معنوی و آن هم از مقولات تشبیه، استعاره، کنایه و تمثیل و حُسن مطلع است. جناب دکتر راسخ می نویسد:

« تشبیه در سخن حضرت عبدالبهاء مقام و منزلتی خاص دارد. خود حضرت عبدالبهاء در مفاوضات مبارکه فرموده اند که معانی لطیفه عالی را باید در قوالب محسوس افراغ نمود. از این رو نه فقط کلام آن حضرت غالباً به تشبیهات و تمثیلات مقرون است بلکه گاه مطالب دقیقه روحانی را

به صورت تابلوی جامع زیبایی از تصاویر عرضه می‌دارد.»

(صنایع لفظی و بدیعی در آثار پارسی حضرت عبدالبهاء)

هیكل مبارک حضرت عبدالبهاء در لوحی می‌فرمایند، قوله‌العزیز:

«و اما قضیه نشئه اخروی یعنی صعود انسان به افق اعلی و یا هیوط به ذرکات سُفلی کیفیتی است که در این دنیا تعبیر آن جز به تشبیه ممکن نه. زیرا ادراکات انسانی بر دو نوع است یکی محسوس است و دیگری معقول. حقایق محسوسه را بیان حقیقت ممکن است اما ادراکات معقوله را صور خارجه مفقود. لهذا انسان باید آن حقایق معقوله را در قالب صور محسوسه افراغ نماید و بیان کند ... لهذا در کتب و صحف الهی چون مقامات معنویه اخروی را بیان نمودند به صور محسوسات تشبیه کردند.» (مکاتیب، جلد ۲، صص ۱۶۰ - ۱۵۹)

اصولاً برای تفهیم مطالب پیچیده و مشکل هیكل مبارک از تشبیه و تمثیل بخصوص از مظاهر طبیعی نظیر آفتاب و نور و فصول و دریا و طوفان به‌وفور استفاده فرموده‌اند مانند:

«دریا بجوش آمد»، «در بهار روحانی مانند گل رحمانی پیرهن چاک نمودی»، «چون نسیم صبا کوه و بیابان پیمود»، «عاقبت مانند ظل زائل گشت» و «مانند نجوم، شیاطین اوهام را رجوم بود». و همچنین هیكل مبارک با ذکر وقایع و داستان نمونه‌های زیبایی را از تمثیل به کار برده‌اند تا مخاطب را هدایت فرمایند و حقایقی را برای وی توضیح دهند.

در بیان مبارک ذیل با ذکر داستانی از لیلی به‌عنوان یک تمثیل یکی از احبای الهی را که ظاهر از دوستان حق کدورتی حاصل نموده‌اند، هدایت می‌فرمایند، قوله‌الکریم:

«ای بنده صادق حق، در ساحت یاران الهی مذکوری و در انجمن دوستان معنوی مقبول. از یاران الهی حدتی بینی و یا شدتی ملاحظه کنی، شکر کن که ملحوظ نظرشان گشتی و منظور بصرشان. گویند لیلی اقداح دیگران پر از حلوائی شکرین می‌نمود و کاسه مجنون می‌شکست. چون از مجنون پرسیدند. گفت این دلیل عنایت و محبت است. لهذا شما محزون مشوید. بلکه ممنون گردید که نامتان بر زبان یاران می‌گذرد...» (مکاتیب، جلد ۶، صص ۳۴ - ۳۳)

#### ۴) اسلوب بدیع

ادبیات بهایی که مکاتیب حضرت عبدالبهاء را نیز شامل است از لحاظ سبک و سیاق انشاء کیفیت بدیعی را حائز است. بدین معنی که لغات و اصطلاحات و تشبیهات و اشارات مختلفه که در طبیعت و زندگی و علوم و معارف ادبی و دینی متداول است برای بیان مطالب اساسی و حقایق روحانی به کار گرفته شده و اگرچه غالب مکاتیب مبارک به صورت اثری ادبی و سراسر مملو از تشبیهات و فنون و هنر است اما در حقیقت متضمن هدف و مطلب اصلی و مقصود اساسی است و لفظی بدون ضرورت و معنی به کار نرفته است.

نظر جناب دکتر افنان این است که در حقیقت، طبیعت، علوم و معارف دینی و ادبی به منزله

قالبهایی هستند که حقایق روحانی در آنها ریخته شده و یا به تعبیر دیگر هیکل مبارک از معارف موجوده به عنان ماده استفاده فرموده و به آن صورتی بدیع و جدید داده‌اند و برای بیان هدف به کار گرفته‌اند. دو بیان مبارک ذیلاً درج می‌شود که گویای مطلب است.

مضمون اولی بشارت به ظهور مبارک است ولی در قالب استعارات دینی و ادبی در عین حال دنیایی از مطالب روحانی.

«قد فار نارُ السیناء فی فارانِ الثناء و تسعیرُ الحب فی ساعیرِ البقاء و تجلی الجبار فی لهیب من النارِ المضطربة فی الشجرة المباركة و نادى الرحمن من غیب الاکوان اعلی ذروة الملکوت. یا اهل الناسوت ابشروا بفیوضات مترادفة و غیوم هاطلة و میاه منهمرة من سحب الرحمة و غمام الرافة باسماء امطری و یا سحب اقبضی و یا غموم ابرقی و از عندی و یا تغور الافاق تبسمی و یا نسمة الله هبى و یا روح الله تهجى طوبى للمستفیضین و یا سرور اللمتوسلین و یا فرحاً للثابتین و یا شوقاً للمنجذین ...»

(مکاتیب، جلد ۱، ص ۲۱۵)

مضمون این لوح مبارک نقشی از صبح ظهور را در عالم وجود، تصویر می‌کند و همچنین اخلاق و اطوار روحانیان را بیان می‌کند.

#### هو الله

ای دوستان راستان صبح است و دلبر امرالله در نهایت صباحت و ملاحظت جلوه به آفاق نموده و به نور اشراق رواق اطباق را روشن کرده و مانند مه تابان ایوان کیوان را زینت بخشیده. بشر و شجر و مکر و حجر را به حرکت آورده. ندا یا بهاء الابهی است که از ملاء اعلی بلند است و ترانه ستوح قدوس رب الملائكة و الزوح است که گوشزد هر هوشمند.

«ولوله در شهر نیست جز خم ابروی دوست» عالم امکان در جوشش است و امیر لامکان در بذل و بخشش. نفعات قدس در مرور است و افواج عون و عنایت رب غفور در صدور و عبور. نسیم رحیم جنت ابهی است که شرق و غرب را معطر نموده و نور مبین افق اعلی است که خاور و باختر را منور کرده. جنت ابهی در قطب امکان خیمه و خرگاه زده و بهار روحانی اقالیم ربانی را سبز و خرم نموده. آیات توحید است که در مجامع روحانیان در ترتیل است و محامد و نعوت رب جلیل است که به الحان بدیع ترنیم اهل تجرید است. صیت امرالله است که ولوله در آفاق افکنده و آوازه امر جمال مبارک است که جهانگیر گشته و لرزه به ارکان امکان انداخته. آهنگ ملکوت ابهی به گوش مشتاقان متواصل است و بانگ طیور حدایق ملاء اعلی به آذان روحانیان متتابع و متواصل.

#### (۵) ترکیبات جدید

در آثار حضرت عبدالبهاء ترکیبات بدیع و تعبیرات جدید فراوان دیده می‌شود. جناب دکتر افغان می‌فرمایند که هیکل مبارک کلمات و ترکیبات جدید را از منشأهای مختلف و با استفاده از

عوامل و آثار طبیعت و غیره ایجاد فرموده‌اند. این ترکیبات بدیع در عین حال که متنوع و متعدد است توضیح و تبیین مصطلحات فلسفی و یا تشابهات روحانی گذشته نیز می‌باشد. ایشان الواح متعددی را مثال زده‌اند که به‌عنوان نمونه به یکی اکتفا می‌شود.

«... ای احبای الهی جام صهباء روحانی سرشار است و بزم میثاق الهی پرانوار صبح موهبت می‌دمد و نسیم عنایت می‌وزد و مزده الطاف از ملکوت غیب می‌رسد. بهار روحانی خیمه در قطب گلشن زده و باد صبا از سبای رحمن مشام روحانیان را معطر نموده بلبل معانی آغاز غزلخوانی کرده و غنچه‌های معنوی در نهایت طراوت و لطافت شکفته. مرغان چمن مطرب انجمن گشته و به ابدع الحان و احسن انغام به آهنگ ملاء اعلیٰ بانگ یا طوبی و یا بشری بلند کرده و صلاهی سرخوشی بر باده‌نوشان جنت ابهی زده. با این فصاحت بیان و بلاغت تبیان بر شاخسار رحمانیت گل‌بانگ تقدیس می‌زند تا افسردگان بادیه غفلت و پژمردگان وادی فترت بجوش و حرکت آیند و در جشن و عیش حضرت احدیت حاضر شوند...»

همچنانکه ملاحظه می‌شود در این بیان مبارک تصویری از بهار و آثار و جلوه‌های آن ایجاد شده و امر مبارک، جلوه و ظهور آن، شور و اشتیاق مؤمنین و اهداف امر در این تصویر به‌ظهور رسیده است.

جهانیان	یاران الهی و مؤمنین	امر مبارک و اثرات آن
افسردگان و پژمردگان	بزم میثاق پرانوار	جام صهباء که سرشار است
که باید بجوش آیند و	مرغان چمن، مطرب انجمن	صبح موهبت که می‌دمد
در جشن حضرت	غنچه‌های معنوی در نهایت طراوت	بهار روحانی که خیمه زده
احدیت حاضر شوند	...	سبای رحمن و باد صبا که می‌وزد

هیکل مبارک در قالب این ترکیبات بدیع اولاً ظهور مبارک و اثرات آن را توصیف می‌فرمایند. ثانیاً شور و نشاط مؤمنین را که از سرچشمه این ظهور سیراب شده‌اند ثالثاً هدف از ظهور مبارک را بیان می‌فرمایند که همان زنده بودن افسردگان و پژمردگان است. این لوح مبارک مشتمل بر ترکیبات بدیع است.

«جام صهباء روحانی»، «بزم میثاق الهی» و «صبح موهبت» و «نسیم عنایت»، «بهار روحانی» و «آهنگ ملاء اعلیٰ» و «غنچه‌های معنوی» و ...

#### ۶) الفاظ معدود و معانی نامحدود (ایجاز در کلام)

«با همه بدعیت و کیفیت جدید که آثار حضرت عبدالبهاء را به وجه مستقل از آثار ادبی و فارسی و عربی متمایز می‌سازد همواره الفاظ در خدمت مفاهیم و معانی به کار رفته و اساس مطالب در

کمال صراحت و وضوح بیان و تشریح شده است. بسا مسائل مهمه و مباحث غامضه در چند آیه مختصر تفهیم و تعلیم شده است. هیکل اطهر از روش مخصوص کتب الهی یعنی بیان معقولات در لباس محسوسات استفاده فرموده و ترتیب و نظم منطقی و استدلالی را رعایت فرموده اند.»

جناب دکتر افغان جهت تفهیم مطلب الواحی را مثال زده اند که به ذکر دو نمونه از آنها با کمی توضیح اکتفا می شود. در این بیان هدف هیکل مبارک این است که احباء الهی را به این حقیقت هدایت فرمایند که عموم آنها باید بقدر امکان در تحصیل علوم و معارف و تزئید اطلاع بر اسرار کتب مقدسه و ملکه در اقامه دلائل و براهین الهی سعی نمایند. ابتدا بیان مبارک ذکر و بعد شیوه استدلال یا مبنای استدلال هیکل مبارک مشخص می شود. قوله العزیز:

«... (ایها الحزب) الالهی قدرت قدیمه، هر یک از کائنات و انواع موجودات را به مزیتتی و منقبتی و کمالی مخصّص فرمود تا در رتبه خود آیات داله بر علو و سمو مرتبی حقیقی گردند و هر یک به منزله مرآتی صافیه از فیض و تجلی شمس حقیقت حکایت نمایند. انسان را از بین کائنات به موهبت کبری مخصّص فرمود و به فیض ملاء اعلی فائز کرد و آن موهبت کبری هدایت عظمی است که حقیقت انسانیه مشکاة این مصباح گردد و اشعه ساطعه این سراج چون بر زجاج قلب زند از لطافت قلب سطوع انوار اشتداد یابد و بر عقول و نفوس تجلی نماید و هدایت کبری مشروط و منوط به علم و دانایی و اطلاع بر اسرار کلمات ربّانی است. لهذا باید یاران الهی صغیراً و کبیراً، رجلاً و نساءً بقدر امکان در تحصیل علوم و معارف و تزئید اطلاع بر اسرار کتب مقدسه و ملکه در اقامه دلائل و براهین الهی نمایند.» (مکاتیب، جلد ۱، ص ۲۳۰)

حال جهت تفهیم بیشتر مطلب لوح مبارک را بازنویسی می نمایم:

(۱) ... (ایها الحزب) الالهی قدرت قدیمه هر یک از کائنات و انواع موجودات را به مزیتتی و منقبتی و کمالی مخصّص فرمود تا در رتبه خود آیات داله بر علو و سمو مرتبی حقیقی گردند و هر یک به منزله مرآتی صافیه از فیض و تجلی شمس حقیقت حکایت نمایند.

(۲) انسان را از بین کائنات به موهبت کبری مخصّص فرمود و به فیض ملاء اعلی فائز کرد و آن موهبت کبری هدایت عظمی است که حقیقت انسانیه مشکاة این مصباح گردد.

(۳) و اشعه ساطعه این سراج بر زجاج قلب زند. از لطافت قلب سطوع انوار اشتداد یابد و بر عقول و نفوس تجلی نماید.

(۴) و هدایت کبری منوط به علم و دانایی و اطلاع بر اسرار کلمات ربّانی است.

(۵) لهذا باید یاران الهی صغیراً و کبیراً، رجلاً و نساءً بقدر امکان در تحصیل علوم و معارف و تزئید اطلاع بر اسرار کتب مقدسه و ملکه در اقامه دلائل و براهین الهی نمایند.

همان طور که ملاحظه می شود مقدماتی را که هیکل مبارک تمهید می فرمایند تا هدف اصلی را مطرح فرمایند مانند حلقه زنجیر به هم مرتبند:

- ۱ - خداوند به هر یک از کائنات مزیتی عنایت فرموده که در رتبه خود مُدِل بر مرتبی حقیقی باشند.
- ۲ - با توجه به آنکه صفت مرتبی حقیقی هدایت عظمی است پس حقیقت انسانی را به این موهبت مخصص فرمود که مشکات یا چراغدان هدایت عظمی گردد.
- ۳ - چون اشعه ساطعه از این موهبت بر قلب انسان بتابد لطافت قلب باعث تشدید سطوع آنها شود و در اثر این اشتداد انوار بر عقول و نفوس می‌تابد.
- ۴ - و هدایت کبری در صورتی از عقول و نفوس به منزه ظهور می‌رسد که این عقول و نفوس به مرتبه‌ای از علم و دانایی برسند.
- ۵ - پس باید زمینه‌های علم و دانایی فراهم شود و آن تحصیل معارف و علوم است و تجهیز به براهین و دلائل الهی.

#### ۷) قاطعیت استدلال - « مبانی استدلال در آثار مبارک‌ه اش سادگی و قطعیت است »

هیکل مبارک در مواردی که فصد دارند برای مخاطب مطلب را به نحو استدلالی و به عبارت دیگر عقلی مطرح فرمایند بیانات هم سادگی و صراحت دارد و هم قطعیت. وجه دیگر قضیه آن است که در موارد بیان حقایق روحانی بیانات معمولاً در قالب تشبیه و استعاره و بیان معقولات در قالب محسوسات است و محمل بیان مطالب اصطلاحات و متشابهات دینی و عرفانی است که تا حدی لازم است زمینه‌های قبلی آن دانسته شود و کشف منظور مبارک تا حدی نیاز به زمینه دارد در حالی که موارد استدلال از روشنی و قطعیت برخوردار است. معمولاً این گونه موارد مربوط به الواحی است که در مورد زمینه‌های خاص فلسفی، علمی، اجتماعی، تاریخی... اظهار نظر فرموده و یا توضیح داده‌اند. همچنین بحث روشنی و قطعیت می‌تواند شامل مطالبی باشد که هیکل مبارک در دستورالعملها، مسائل اخلاقی و مسائل حکمی بیان فرموده‌اند.

به عنوان مثال وقتی که لوح مبارک ذیل مطالعه می‌شود همه چیز روشن است و در پایان می‌توان دریافت که نحوه رفتار اهل بهاء با اهل جور و عداون چگونه باید باشد. قوله العزیز:

« تحاریر متعدده آن حضرت واصل و در وقت تلاوت دموع مانند غیث هاطل جاری گشت. در بیان مصائب و بلاهای شهداء لسان قاصر است و قلم عاجز قوه کاشفه باید تا بتمامه کشف تواند یا الهام غیبی شاید تا آن وقایع را در مرآت دل تصویر نماید. در سلف و خلف وقوع نیافته و گوشها نشنیده با وجود این اهل سجود تضرع و زاری نمایند و از برای ستمکاران عفو و غفران طلبند و لطف و احسان رجا نمایند. ملاحظه فرمایید که اساس امر چقدر متین است و تعالیم الهیه نور مبین. چنین انوار را مقاومت اشراک منع نماید و چنین بحر الطاف را سد اعتساف حصر نکند. جمال مبارک ابهی چنین تعلیم می‌فرمایند، ما ستمکاران را کامرانی جویم و جفاکاران را شادمانی خواهیم و دعا کنیم که از این اغلال که بر اعناق است رهایی یابند و از قیود نفس و هوی نجات جویند.»



(مکاتیب، جلد ۱، آص ۲۲۸)

ملاحظه می شود که هر چند مظالم بر احباء آنقدر شدید که هیکل مبارک می فرمایند حین خواندن نامه ها اشک همچون باران جاری. اما به دو مطلب اساسی اشاره می فرمایند:

اول آنکه، ظلم و اعتساف نمی تواند مانع و سد راه احباء الهی باشد.

ثانی آنکه، احباء مأمورند برای ظالمین دعا کنند و طلب عفو و غفران نمایند.

ضمن بررسی لوح مبارک دو ندان نیز متوجه روشنی و قطعیت استدلال حضرت عبدالبهاء می شویم. وقتی که به مضامین این لوح مبارک توجه و دقت می نماییم در می یابیم که وحدت عالم انسانی در جمیع ابعاد مورد توجه قرار گرفته است و هیکل مبارک با مثالهای متعدد بیان می فرمایند که در ورای همه کثرات و اختلافات نوع انسانی باید در ظل مرتبی حقیقی به وحدت متوسل شود. در متن لوح با ذکر مثالهایی توضیح داده می شود که اتحاد سبب حیات است و اختلاف باعث نابودی و ممات. اتحاد از جنبه کمال طلبی انسان است و اختلاف و تشتت از جنبه حیوانی.

یک مثال مربوط به حیوانات دزنده خوست که تحمل یکدیگر را ندارند و در کنار هم به مسالمت قرار نمی گیرند. در عوض حیوانات با طبیعت و سیرت نیک در کنار هم و مجتمعا زندگی می کنند. یک مثال مربوط به عالم جسمانی است که هر جا ترکیب باشد کائنات از اجزاء بسیطه به ایجاد الهی به وجود می آیند و تشکیل می شود و چون در آن ترکیب خلل حاصل شود نابودی و انعدام است. و یک مثال مربوط به عالم انسانی است و آن حقیقتی است که در زندگی و تاریخ بشر هویدا است. در طول تاریخ هر جا انسانها با هم پیگانه شده و به نزاع و جدال پرداختند و بر جنبه حیوانی تکیه نمودند حاصل ویرانی و دمار شهرها است و هر زمان که وحدت و یگانگی بوده و تکیه بر فضائل انسانی شده نتیجه آبادی و عمار بلاد است.

ابتدا مثالهای هیکل مبارک ذکر گردید تا مطلب بیشتر مفهوم گردد.

صفحات اول لوح مبارک به توصیف جنبه های مشترک و اختصاصی دو ندای فلاح و نجات که از اوج سعادت عالم انسانی بلند شده می پردازند.

دو ندای فلاح و نجات	۱ - ندای مدنیت و ترقیات عالم طبیعت
	۲ - ندای جانفزای الهی
جنبه های مشترک	خفتگان بیدار کند، کوران بینا نماید، غافلان هشیار فرماید، کران شنوا نماید، گنگان گویا کند، مردگان زنده نماید.
اختصاصات ندای مدنیت	تعلق به جهان ناسوت دارد، مروج اساس ترقیات جسمانی است، مرتبی کمالات صوری نوع انسان است، قوانین و نظامات و علوم و معارفی است که منبعث از افکار عالیه و نتایج عقول سلیمه است، به همت حکما و فضلا جلوه نموده است.

مروّج و قوه نافذه آن حکومت عادلّه است.

تعالیم مقدّسه روحانی است، کافل عزّت و سعادت سرمدی است، نورانیت عالم انسانی است، عامل ظهور سنوحات رحمانیه است، اساس آن تعالیم و وصایای ربّانی است، تعلق به عالم اخلاق دارد، حقیقت انسانیّه را روشن نماید.

قوه نافذه آن کلمه الله است.

از یک جهت، سعادت حاصل شده است: لطافت آراء، نظافت ادوات، سهولت سیر و سفر، توسیع معلومات عالم طبیعت، مخترعات عظیمه و مشروعات عظیمه و اکتشافات فنیّه ...

از جهت دیگر: آلات هلاک جهنمی، ایجاد قوای هادمه، اکتشاف ادوات ناریه که قاطع ریشه حیات است، مدنیت توأم با توخّش است، عالم انسانی در عذاب افتاده و مخزن موادّ جهنمیّه شده.

۱ - مقصود اصلی زمانی حاصل می شود که ترقیات مدنی و کمالات جسمانی منضم به کمالات روحانی و اخلاقی شود.

۲ - مدنیت جسمانیّه مؤید به هدایت ربّانیّه و سنوحات رحمانیه و اخلاق الهیه گردد.

۳ - ترقی و مدنیت جسمانی منضم به هدایت کبری گردد.

۴ - عالم ناسوت را جلوه گاه فیوضات ملکوت نمود.

تا عالم انسانی در نهایت جمال و کمال در عرصه وجود و معرض شهود شاهد انجمن گردد و در غایت ملاحظت و صباحت جلوه نماید.

طفل رضیع در مراتب جسمانیّه رشد می کند تا به درجه بلوغ رسد و استعداد ظهور کمالات معنوی و فضائل عقلیه حاصل نماید.

در قرون و اعصار متوالیه و متواریه ندای مدنیت بلند است. کمالات صوری جلوه نموده، عالم انسانی ترقیات جسمانیّه نموده و تدرّج در مدارج مدنیت نموده است.

تا آنکه: استعداد ظهور و جلوه کمالات روحانیّه الهیه حاصل کرد و قابلیت استماع ندای الهی یافت.

پس ندای ملکوت بلند شد و فضائل کمالات روحانیّه جلوه نمود. شمس حقیقت اشراق کرد و انوار صلح اعظم و وحدت عالم انسانی و عمومیت عالم بشریت ساطع گشت.

پس ای احبای الهی بدانید که سعادت عالم انسانی در وحدت و یگانگی نوع

اختصاصات  
ندای الهی

جنبه دو گانه  
ندای مدنیت

طریق نجات و  
وحدت و اخذ  
نمر از ترقیات

ترقیات جسمانیّه  
و استعداد ظهور  
کمالات  
روحانیّه توأم  
است

بشر است و ترقیات جسمانی و روحانی هر دو مشروط و منوط به الفت و محبت بین عموم افراد انسانی.

۱ - آنچه سبب ائتلاف و تجاذب و اتحاد بین عموم بشر است حیات عالم انسانی است.

۲ - آنچه سبب اختلاف و تنافر و تباعد است علت ممات نوع بشر است.  
۱ - اختلافی سبب انعدام است نظیر اختلاف ملل متنازع. نتیجه آن محو شدن و نابودی و سلب آسایش است.

۲ - اختلافی که به مفهوم تنوع است ولی منشاء رونق و زیبایی است چون منشاء آن وحدت است. تنوع و اختلاف ریاحین زیباست چون از یک آب سیراب شوند.

تنوع اعضاء و جوارح انسانی سبب جلوه کمال و جمال است. چون این اعضاء در تحت نفوذ روح است.

و همچنین تفاوت و تنوع افکار و اشکال و آراء و طبایع و اخلاق عالم انسانی چون در ظلّ قوه واحده و نفوذ کلمه وحدانیت باشد در نهایت عظمت و جمال و علویت و کمال ظاهر و آشکار شود.

اليوم جز قوه کلمة الله که محیط بر حقایق اشیاء است عقول و افکار و قلوب و ارواح عالم انسانی را در ظلّ شجره واحده جمع نتواند. اوست نافذ در کلّ اشیاء و اوست محزک نفوس و رابط در عالم انسانی.

الحمد لله اليوم نورانیت کلمة الله بر جمیع آفاق اشراق نموده و از هر فِرَق و طوائف و ملل و شعوب و قبائل در ظلّ کلمه وارد و در نهایت ائتلاف مجتمع و متحد و متفقند چه بسیار محافل تشکیل گردد و به ملل و طوائف مختلفه تزئین یابد. اگر نفسی وارد محفل گردد حیران ماند که این نفوس از وطن واحد و ملت واحده و طائفه واحده و افکار واحد و اذکار واحد و آراء واحدند.

اگر جمیع قوای عالم جمع شوند مقتدر بر تأسیس محفلی از این محافل نگردند که به این محبت و مودت و انجذاب و اشتعال اقوام مختلفه انجمن واحد شود.

حیات و ممات  
عالم انسانی

اختلاف دو معنی  
دارد

منشاء وحدت  
عالم انسانی

جامعه بهایی  
نمونه‌ای از  
وحدت عالم  
انسانی که تحت  
نفوذ کلمة الله  
حاصل شده

اثرات تعالیم  
بهایی در عالم  
بشری و جامعه  
بهایی

- ۱ - هر دزنده‌ای را چرنده کند.
- ۲ - هر جنبنده‌ای را پرنده نماید.
- ۳ - نفوس بشر را ملائکه آسمان نماید.
- ۴ - عالم انسانی را مرکز سنوح رحمانی فرماید.
- ۵ - جمیع را به اطاعت و سکون و امانت به حکومت مجبور نماید.

بهائیان که خیر خواه و مطیع دول و محبت و مهربان به جمیع مللند و این اطاعت و انقیاد به نص صریح جمال ابهی فرض و واجب بر کل لهذا احباء الله اطاعة لامر الحق به جمیع دول بی نهایت صادق و خیر خواهند ...

## شان نزول الواح و آثار مبارکه حضرت عبدالبهاء

هر چند که مضامین آثار هیکل مبارک، در تشریح، تبیین، تفسیر، اخبار و اذار به منظور ایجاد خلق جدید و پرورش نفوس ممتازه و محافظه امرالله و سد طریق اختلاف و تمهید مقدمات توسعه امرالله در جهان می باشد اما تاریخ حیات هیکل مبارک نشان می دهد که بخش عظیمی از الواح و آثار مبارکه در پاسخ سؤالات و یا عریضه های افراد و مجامع است و طیف مخاطبین به حدی وسیع است که احصاء آن مشکل است مگر به صورت طبقه بندی و دسته بندی شده. فی المثل افراد مؤمنین، افراد غیر مؤمن به امر مبارک، مجامع بهایی، مجامع غیر بهایی و ... و الا اشتقاصاء فرد فرد بغایت صعب و دشوار است و نیازمند تحقیق و بررسی طولانی. بیانات نفس مقدس مرکز عهد و میثاق و نیز حضرت حضرت ولی عزیز امرالله و برخی مؤمنین نشان می دهد که حجم نامه هایی که به ساحت انور می رسیده چقدر زیاد بوده است.

حضرت عبدالبهاء می فرمایند، قوله العزیز:

«اوراق مثل برگ می ریزد و قلم متحیر که کدام یک را جواب بنویسد.»

(مکاتیب، جلد ۳، ص ۳۴۳)

و نیز:

«... هر چند در اکثر مکاتیب ذکر خیر کل را فرداً فرداً نمودی و از برای هر یک نامه مخصوص خواستی ولی به جان عزیز یاران قسم که ابداً فرصت و مهلت نیست زیرا تحریر دائم است و تقریر متتابع و بیگ مبین و قاصد امین در سیر و حرکت سریع. هر یومی بسته ای از مرز و بومی وارد و مکاتیب نامحدود و منثور، جز نامه بسیار مهم را جواب، فرصت ندارم تا چه رسد به مکاتبه واحداً بعد واحد...»

حضرت ولی عزیز امرالله می فرمایند:

«تتابع مشکلات و تهاجم غوائل، آن طلعت مبین را از نزول الواح و رسائل که چون امطار سماوی از یراعه مکرمتش منهمر و هاطل می گشت منصرف نساخت و تقاریر و مکاتیب یاران که از شرق و غرب جهان واصل و کل متضمن گزارشات و سؤالات و دعا و مناجات و طلب تأیید و توفیق و اظهار ایمان و ایقان و بیان و ستایش و نیایش به ساحت قدس یزدان بود هیچ یک بلا جواب باقی نماند. نفوسی که در آن احیان برافتتان ناظر حوادث و وقایع حیات مبارک بوده شهادت می دهند که چه بسیار از ایام که کلک اطهر بر صفحات اوراق بلاانقطاع در جولان و از قلم معجز شیمش در هر یوم تا میزان نود لوح صادر می گردید و چه بسا از لیالی که از غروب آفتاب تا طلوع فجر آن مظهر عطف و وفا، تنها، در اتاق خواب به ترقیم الواح و ترسیل مکاتیب به یاران راستان مألوف بود چه که امور متراکمه و مسؤولیتهای شدیده متنوعه، آن وجود مبارک را اکثر از مبادرت به تحریر و اشتغال به مکاتیب در

ساعات روز منع می نمود.» (قرن بدیع، جلد ۳، صص ۱۲۵ - ۱۲۴)

جناب محمد علی فیضی در کتاب حیات حضرت عبدالبهاء و حوادث دوره میثاق می نویسد:

«آن وجود مبارک پس از افول شمس حقیقت حضرت بهاء الله یگانه مرکز منصوص و ملجاء و پناه اهل بهاء بوده و هر شخصی از مؤمنین و غیر مؤمنین، هر مسئلت و حاجتی داشت و یا تمنای حل رموز و اسرار آیات کتب مقدسه می نمود و یا احباء و محافل روحانیه در شرق و غرب از مواضیع امریه و حوادث اتفاقیه و مشکلات خود مطالبی داشتند به حضور آن حضرت معروض داشته و راهنمایی و دلالت و هدایت مبارک را استدعا می نمودند، به زیارت جواب نائل می گردیدند.

هیچ سائلی عریضه ای معروض نداشت مگر آنکه به زیارت جواب محبت آمیز که به خط مبارک است و یا آن حضرت دیکته فرموده و منشی حضوراً تحریر می نمود و موشح به امضای مبارک می گردید نائل گردیده است...

به این جهت آثار مبارک افزون از حد و شماره و احصاء است. بنا بر این همان طور که آثار هیکل مبارک خارج از حد و شماره است، مخاطبین آن نیز کثیر است و مناسبت و علت صدور الواح و رسائل و مکاتیب مبارک که نیز بر همین قیاس متعدد است. با توجه به مطالب مطروحه حداقل می توان شأن نزول الواح را در ۴ دسته تقسیم نمود:

- ۱ - پاسخ به تقاریر و مکاتیب افراد و جوامع بهایی و نیز مؤسسات بهایی
- ۲ - مناسبتها و حوادث جامعه بهایی (نظیر شهادت احباء، تأسیس مراکز امریه و ...)
- ۳ - مقتضیات مقام و منصب هیکل مبارک به عنوان مرکز امر بهایی و مرتبه عالم انسانی و نقشی که در هدایت اهل عالم بر عهده داشتند.
- ۴ - مناسبات و یا روابط امر مبارک یا جوامع و افراد غیر بهایی

## بار عظیم روحانی مکاتیب حضرت عبدالبهاء

همان طور که مکرر گفته شد آثار نازله از کلک اطهر حضرت عبدالبهاء در درجه اولی منبعث از مقام و موقعیت ایشان به لحاظ مسئولیتی است که مظهر ظهور کلی الهی در این دور مبارک به عهده ایشان محول فرموده است لهذا جنبه هدایت خلق و تربیت نفوس و یا اعتلاء امر مبارک و بیان حقایق عالیه امر مبارک اصل است. سبک و سیاق و زمینه‌های ادبی با همه عظمت محملی برای هدف اصلی است. بر این اساس هر چند در مطالعه الواح و مکاتیب مبارک، شناخت ساختار لوح و یا مضمون و محتوای لوح، شیوه استفاده از کلمات و الفاظ با توجه به جنبه‌های ادبی حائز اهمیت است اما مطلب مهم دریافت حقیقت کلام و منظور مبارک است که در قالب الفاظ و مطالب بیان شده است.

هیكل مبارک خود فرموده‌اند: «مکتوب عبدالبهاء رابطه محبت است و لکن فیوضات ملکوت ابهی دل و جان رازنده نماید.» (مکاتیب، جلد ۵، ص ۹۱)

حال چه باید کرد تا اولاً محبت هیكل مبارک را از این مکاتیب دریافت و ثانیاً دل و جان را از فیوضات ملکوت ابهی که از طریق این مکاتیب سریان می‌یابد، زنده نمود. چه محبتی به بندگان در قلب اطهر حضرت عبدالبهاء موجود است که هزاران مکتوب حامل این عنایت و محبت می‌شوند. احتیای الهی چه کرده‌اند و چه باید بنمایند که چنین مشمول نظر لطف و محبت حضرت عبدالبهاء قرار گرفته باشند؟

یکی از جلوه‌های بدیع و زیبایی ارتباط توأم با محبت حقیقی را در این مکتوب مبارک می‌یابیم، مکتوبی که در حقیقت سرگذشت حضرت عبدالبهاء است. ظاهراً مضمون و محتوای علمی و اجتماعی و یا عرفانی و فلسفی ندارد اما دنیایی معنا و مفهوم دارد. چگونه می‌توانیم معنای این کلام را دریابیم. قطعاً باید از هیكل مبارک حضرت عبدالبهاء استعانت جویم که ما را در درک و فهم حقایق مندرج در آثارشان هدایت فرمایند و اینک مکتوب مبارک خطاب به میرزا مهدی یزدی در عشق آباد: «روز تمام شد و آفتاب دم غروب است و خامه عبدالبهاء از بامداد تا بحال در رکوع و سجود. حال دیگر جواب می‌دهد و قسم می‌خورد که اگر اسب تازی بودم و یا سمند تر کمنی حال از پا افتاده بودم و سر از سجود بر نمی‌داشتم. من می‌گویم ای خامه، این جناب آقا میرزا یزدی است و خاطرش نزد عبدالبهاء بسیار عزیز است. از خدا بترس. فتور میار، سر بسپار، این ورق را رشک باغ ارم کن، بیان اشتیاق کن، رسم محبت آشکار نما. قدری تحریر کن، اندکی تقریر نما آن وقت هر چه می‌خواهی بکن و الا به ضرب تازیانه چنان تو را جولان دهم که تا دم صبح ترکتازی کنی و گوشت و استخوان نذر جانبازی نمایی. قلم چون سطوت خطاب را شنید با حال شکسته و خسته و بیتابی در تکاپو آمد و تا آخر ورق جولان نمود. این است سرگذشت عبدالبهاء دم غروب آفتاب از افق دنیا

ع ع  
(صنایع لفظی و بدیعی آثار پارسسی حضرت عبدالبهاء)

بدیهی است که قلم موجود بیجان است که خستگی نمی‌شناسد. پس می‌توان دریافت که این دست مبارک است که از خستگی از حرکت باز ایستاده است. حال سؤال این است که این جناب میرزا مهدی یزدی کیست و چه کرده است که آنچنان خاطرش عزیز است که در نهایت خستگی مقرر است دست مبارک، مکتوب را به پایان ببرد؟ چه درسی را هیکل مبارک حتی در ایام آخر حیات می‌خواهند به احبای الهی و مؤمنین جمال مبارک بدهند؟ و ما چه باید انجام دهیم که موجبات رضایت حضرت عبدالبهاء را فراهم آوریم؟

این لوح مبارک به ما می‌آموزد که چگونه باید تکلیفی را که حق به عهده ما گذاشته است انجام دهیم و در اجرای وظایف خود، درنگ ننماییم و فتور نکنیم.

و به این خطاب مهیمن حضرتشان گوش فرادهیم:

«ای یاران عنقریب یومی آید که از بین شما مفارقت نمایم و به ملکوت ابهی عروج کنم آنچه تکلیف من بود بجا آوردم. بقدر قوه در خدمت امرالله کوشیدم و شب و روز آرام نیافتم و روز و شب به نشر نفعات پرداختم. حال آرزویم آن است که دوستان الهی به خدمت آستان ربانی قیام نمایند و در اجرای این وظیفه خطیر اقدام کنند...»

(یادداشت‌هایی در باره حضرت عبدالبهاء، تألیف هوشنگ محمودی، جلد ۲، ص ۵۹۱)

با مقایسه این دو لوح مبارک در می‌یابیم که معنی واقعی اصطلاح «به قدر قوه» یعنی چه؟ در حقیقت بقدر قوه یعنی با تمام قوت یعنی:

از خدا ترسیدن، فتور نیاوردن، سرسپردن و در انجام تکلیف و نشان دادن رسم محبت به خود تازیان زدن.

الله ابهی